

تبیین نقش ظرفیت نهادی در رقابت‌پذیری شهرهای میانی ایران (مورد مطالعه: شهرهای سنندج و زنجان)*

رامین چراغی - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
صفر قائد رحمتی** - دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس، اصفهان، ایران
ابوالفضل مشکینی - دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
حامد قادرمرزی - دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی تهران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۲۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تبیین نقش ظرفیت نهادی در رقابت‌پذیری شهرهای میانی زنجان و سنندج به نگارش درآمده تا، علاوه بر ارزیابی وضعیت این شهرها به لحاظ ظرفیت نهادی در رقابت‌پذیری شهری، میزان اثرگذاری ظرفیت نهادی بر رقابت‌پذیری آن‌ها را تعیین کند. روش پژوهش برحسب هدف کاربردی و از لحاظ ماهیت توصیفی - تحلیلی است. روش جمع‌آوری داده‌ها به صورت میدانی با استفاده از تکنیک پرسش‌نامه بوده است؛ بدین ترتیب، داده‌های تحقیق از دو گروه جامعه آماری یعنی نهادها (مسئولان) و مراجعه‌کنندگان (مردم) جمع‌آوری و برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای SPSS و Lisrel استفاده شده است. روش نمونه‌گیری نهادها غیرتصادفی و هدفمند و مردم به صورت تصادفی بوده است. براساس نتایج پژوهش، وضعیت ظرفیت نهادی در رقابت‌پذیری شهرهای زنجان و سنندج، براساس نظر هر دو گروه، وضعیت قابل قبولی نیست؛ به گونه‌ای که، از نظر مسئولان، شهر زنجان با ارزش عددی ۲/۸۷ و سنندج با ۲/۹۱ و از نظر مردم زنجان با ارزش ۳/۰۲ و سنندج با ۲/۸۲ از لحاظ ظرفیت نهادی در سطح کلی در وضعیت نامناسبی قرار گرفته‌اند؛ در این میان، در هر دو شهر، شاخص «سرمایه انسانی» بیشترین ارزش را به خود اختصاص داده و مؤلفه «توانایی نهادی» نیز در شهرهای زنجان (۳/۰۲) و سنندج (۳/۰۸) به عنوان مؤثرترین مؤلفه ظرفیت نهادی در رقابت‌پذیری شهری تعیین شده است. در نهایت، ارزیابی میزان تأثیرگذاری متغیر مستقل بر متغیر وابسته در مدل معادلات ساختاری، علاوه بر تأیید معناداری رابطه دو متغیر، تأثیر ظرفیت نهادی بر رقابت‌پذیری شهری را در سطحی بالا با ارزش عددی ۱۱/۹۸ پذیرفته که این امر نشان‌دهنده تأثیر «بسیار بالای ظرفیت نهادی بر رقابت‌پذیری شهری» است. بنابراین، بر مبنای نتایج پژوهش حاضر، تأثیر بسیار بالای ظرفیت‌سازی در امور شهری به طور عام و رقابت‌پذیری شهری به طور خاص نمایان می‌شود.

کلیدواژه‌ها: رقابت‌پذیری شهری، زنجان، سنندج، شهرهای میانی، ظرفیت نهادی.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری با نام «تبیین نقش ظرفیت نهادی در رقابت‌پذیری شهرهای میانی ایران (مورد: شهرهای سنندج و زنجان)» است.

Email: safarrahmatai@modares.ac.ir

** نویسنده مسئول

مقدمه

ظرفیت، ظرفیت‌سازی، یا توسعه ظرفیتی مفاهیمی نسبتاً جدید در بحث‌های توسعه‌ای هستند که از دو الی سه دهه پیش مورد توجه قرار گرفته‌اند؛ به‌ویژه در سطوح محلی، منطقه‌ای، شهری، و روستایی و اجتماعات محلی، به‌عنوان یکی از ابزارهای اصلی سیاستی، برای پیشبرد توسعه و به‌ویژه توسعه شهرها و رفتار رقابتی بین آن‌ها مورد توجه جدی قرار گرفته است و عمدتاً در چارچوب رویکرد نهادی و در درون ظرفیت نهادی خلاصه شده است. بر همین اساس، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان برای افزایش توان اقتصادی شهرها و مناطق و افزایش توان رقابتی آن‌ها در پی تمهیدات و تلاش‌هایی بوده و هستند تا با توسعه ظرفیت‌های ممکن امکان دستیابی به بخشی از زیربناهای توان رقابتی را پیدا کنند و بدین وسیله تدارکات پیش‌توسعه شهرها را مهیا نمایند. مطالعات بانک جهانی بر اهمیت ظرفیت‌سازی و ظرفیت نهادی تأکید می‌کند و ناتوانی نهادی را از عوامل اصلی رقابت نابرابر و توسعه نامتعادل می‌داند (بانک جهانی، ۲۰۰۰: ۱)؛ چنان‌که برنامه سازمان ملل متحد نیز توسعه بر مبنای رقابت‌پذیری را مستلزم وجود نهادهای کارآمد و توانا می‌داند (فوکودا- پر و همکاران، ۲۰۰۲) و بانک توسعه آسیا نیز تأکید می‌کند که نهادهای متنوع، خصوصاً نهادهای اجرایی، نقش بسیار مهمی در پیشبرد زیرساخت‌های رقابت‌پذیری و توسعه ایفا می‌کنند (دئولایار، ۲۰۰۲). طبق این تعاریف، می‌توان مشاهده کرد که نهادها در توسعه و رقابت‌پذیری شهرها نقش مهمی ایفا می‌کنند. آنچه مهم می‌نماید این است که رویکرد نهادی بر پایه رقابت‌پذیری شهری باید در پی این امر باشد که نهادهای مناسب، معتبر، و کارآمد برای رقابت در سطح شهری- منطقه‌ای شکل گیرد یا حداقل ارتقا یابد؛ زیرا اجتماعات و سطوح شهری منطقه‌ای که فاقد نهادهای کارآمد، مناسب، و معتبرند توان رقابت‌پذیری پایینی را برای دستیابی به سطح معقولی از توسعه به‌نمایش می‌گذارند و در نبود نهادهای مناسب حتی مناسب‌ترین و معقولانه‌ترین سیاست‌های رقابت‌پذیری و در پی آن توسعه نتایج مطلوبی به بار نمی‌آورد (وبستر و مولر، ۲۰۰۰: ۲) و به‌ازهم‌گسیختگی فرایندهای سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری و از بین رفتن فرصت‌های موجود در زمینه رقابت‌پذیری منجر می‌شود. پس روشن است که در چارچوب رویکرد نهادی و ظرفیت‌سازی نهادی برای رقابت‌پذیری شهری، پیش از هر چیز باید در زمینه ارتقای نهادها حرکت کرد و در این میان تأکید اصلی می‌تواند بر سرمایه اجتماعی، سرمایه انسانی، ظرفیت نهادی در سطح محلی، حکمروایی بهینه، توسعه شبکه‌های اجتماعی و گسترش دانش و فرایندهای ابتکاری در سطح محلی و نهادی، کارآفرینی به‌صورت متمرکز و تمرکز بر افزایش مزیت‌های رقابتی شهری باشد (استیمسون و همکاران، ۲۰۰۹: ۲۰-۳۲؛ رودریگز-پوز، ۲۰۰۹؛ سدلیس و گوبل، ۲۰۱۰: ۱۲۲؛ امین، ۱۹۹۸: ۱۱؛ اشیم و همکاران، ۲۰۰۶: ۱۰؛ مارکوسن، ۲۰۰۸: ۵۸-۶۱؛ مارتین و همکاران، ۲۰۰۶: ۵؛ سامپور، ۲۰۰۷: ۵).

در تبیین نقش ظرفیت نهادی در رقابت‌پذیری شهرها، اهمیت نقش ظرفیت نهادی به‌گونه‌ای است که نویسندگان متعددی اکنون رقابت‌پذیری و توسعه محلی را وابسته به توانایی‌ها و ظرفیت‌های نهادی در سطح شهرها می‌بینند. درواقع، فرض اساسی این است که مشکل عمده و اصلی در توسعه شهرها و فراهم کردن زمینه رقابت برای آن‌ها این است که چنین نواحی فاقد سطحی از ظرفیت نهادی بوده و با ناکارآمدی و ناسازگاری در محیط نهادی شهرها مواجه‌اند. بنابراین، نقش مهمی برای سیاست‌گذاری عمومی وجود دارد که به ایجاد انواعی از ظرفیت‌هایی که برای رقابت شهرها و توسعه آن‌ها نقش هادی و راهنما داشته باشند کمک کند؛ یعنی همان‌گونه که استدلال می‌شود، ایده ظرفیت نهادی به‌طور گسترده‌ای از مفهومی تحلیلی به ابزاری تجویزی تبدیل شده است (گیبز و همکاران، ۲۰۰۱: ۱۰۳). بنابراین، امروزه در چارچوب ظرفیت‌سازی نهادی و رویکرد نهادی به توسعه در معنای عام و رقابت‌پذیری شهری در معنای خاص هم در عرصه آکادمیک هم در عرصه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری برای افزایش رقابت‌پذیری و رسیدن به سطحی از توسعه اهمیت و اعتبار قابل توجهی برای ظرفیت و توانایی‌های نهادی موجود در این سطوح قائل شده‌اند. با

وجود این، به این موضوع هنوز در ادبیات دانشگاهی و خصوصاً در حوزه‌های سیاست‌گذاری و اجرایی ایران آن‌چنان که لازم است توجه نشده است (کاظمیان و همکاران، ۲۰۱۳: ۱۵۴)؛ در حالی که تمرکز بر بحث‌های ظرفیت‌سازی و ظرفیت نهادی در چارچوب رویکرد نهادی می‌تواند در شهرها خصوصاً شهرهای میانی کشور نقش مهمی ایفا کند و با ارتقای توان رقابت‌پذیری این شهرهای میانی بسیاری از مسائل موجود و آتی گریبان‌گیر کلان‌شهرها و شهرهای بزرگ و سیستم شهری کشور را مرتفع کرد و با بازتقسیم فشارهای موجود بر سیستم کلان‌شهرهای کشور در مسیر کاهش مسائل و مشکلات شهری حرکت کرد. بنابراین، واردکردن این شهرها (میانی) به عرصه رقابت‌پذیری و ایجاد ظرفیت‌های رقابتی در آن‌ها می‌تواند به تقویت این شهرها کمک کند و بدین وسیله نقش ارتباطی و واسط را به‌خوبی بین شهرهای بزرگ و شهرهای کوچک ایفا نماید. بر همین اساس، ارزیابی توان این شهرها می‌تواند به نوعی به شناخت ظرفیت آن‌ها برای واردساختنشان در عرصه رقابتی کمک کند و بر همین مبنا دو شهر میانی زنجان و سنندج، که از لحاظ بار جمعیتی و فاصله نسبی با مرکز و ... دارای شباهت‌هایی هستند، انتخاب شده‌اند.

بر اساس آنچه بیان شد و با لحاظ اهمیت ظرفیت‌سازی و نهادگرایی و نقش ظرفیت نهادی در رقابت‌پذیری شهری و اهمیت شهرهای میانی در سیستم شهری، پژوهش حاضر با هدف تبیین نقش ظرفیت نهادی در رقابت‌پذیری شهرهای میانی زنجان و سنندج به نگارش درآمده است تا در وهله اول وضعیت هر دو شهر زنجان و سنندج از لحاظ ظرفیت نهادی در رقابت‌پذیری شهری مشخص شود. سپس، تأثیر ظرفیت نهادی بر رقابت‌پذیری شهری در شهرهای مورد مطالعه با استفاده از مدل معادلات ساختاری ارزیابی شود. بدین جهت، در راستای اهداف پژوهش سؤالات ذیل قابل طرح است:

ظرفیت نهادی در رقابت‌پذیری شهرهای میانی زنجان و سنندج از چه سطحی برخوردار است؟
 کدام یک از مؤلفه‌های ظرفیت نهادی بیشترین سهم و تأثیر را در رقابت‌پذیری شهرهای میانی زنجان و سنندج دارد؟
 در رقابت‌پذیری شهرهای میانی زنجان و سنندج، ظرفیت نهادی به چه میزان تأثیرگذار است؟
 ذکر این نکته لازم است که بر اساس بررسی‌های انجام‌گرفته از سوابق، مطالعاتی در این حوزه پژوهشی، که به‌طور مشخص به تبیین رابطه ظرفیت نهادی در رقابت‌پذیری شهری در آن‌ها پرداخته شده باشد، مشاهده نشد و به این موضوعات صرفاً در درون سایر تحقیقات و پژوهش‌ها به‌صورت موردی و مختصر اشاره شده است؛ از قبیل ظرفیت نهادی (فرجی‌راد، ۲۰۱۲؛ توسلی و نیکونستی، ۲۰۱۱؛ سامپور، ۲۰۰۷؛ رابینز، ۲۰۰۸؛ مین، ۲۰۰۸) و رقابت‌پذیری شهری (قادری و همکاران، ۲۰۱۳؛ کارگر سامانی و همکاران، ۲۰۱۴؛ نظم‌فر و همکاران، ۲۰۱۷؛ سینگال، ۲۰۰۹؛ برانکین و همکاران، ۲۰۱۰؛ پنجفی و ژانگ، ۲۰۱۴؛ ژویان و همکاران، ۲۰۱۷).

چارچوب نظری تحقیق

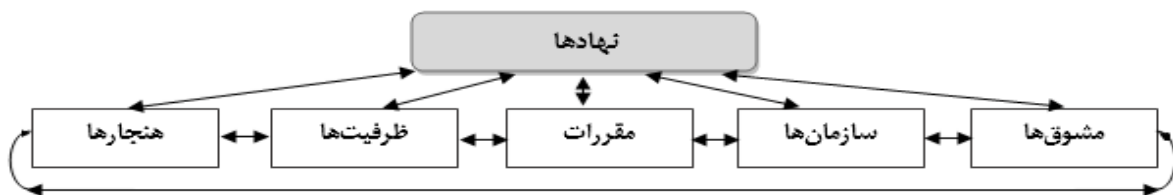
ظرفیت و ظرفیت نهادی

ظرفیت عبارت است از توانایی و قابلیت فردی، سازمانی، و سیستمی برای ایفای عملکردها و برآوردکردن اهداف به صورت مستمر و کارآمد به‌گونه‌ای که براساس بازنگری مستمر، چارچوب اوضاع و تعدیل پویایی از اهداف و عملکردها پایه‌گذاری شود (وحدانی، ۲۰۰۵: ۳۵). با این تعریف، ظرفیت‌سازی را می‌توان ایجاد و تقویت قابلیت‌های فرد، سازمان، یا سیستم برای نیل به اهدافی خاص یا ایفای نقشی ویژه به صورت پایدار و کارآمد دانست. فرانک بر آن است که اصطلاح ظرفیت می‌تواند به صورت بسیار ساده با مقایسه آن با مفهوم توانایی درک شود؛ اما تأکید می‌کند که ظرفیت صرفاً توانایی نیست، بلکه به معنی اندازه وظیفه، منابعی که برای انجام وظیفه لازم است، و چارچوبی که ظرفیت در درون آن شکل می‌گیرد

است (فرانک، ۱۹۹۹: ۵۲). برنامه توسعه سازمان ملل متحد ظرفیت‌سازی را در سطح فردی، نهادی، و اجتماعی تشریح می‌کند و آن را فرایندی طولانی‌مدت، که شامل همه ذی‌نفعان است، تعریف می‌کند؛ ذی‌نفعانی از جمله وزارتخانه‌ها، مقامات محلی، سازمان‌های غیردولتی، حرفه‌ای، اعضای جامعه، دانشگاهیان، و ... که از قابلیت‌های علمی، حرفه‌ای، سازمانی، و رسمی و منبعی و ... استفاده می‌کنند. همچنین، هدف ظرفیت‌سازی را مقابله با مشکلات مربوط به سیاست‌ها و روش‌های توسعه در عین توجه به پتانسیل‌ها، محدودیت‌ها، و نیازهای مردم کشور می‌داند (شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد، ۲۰۰۶: ۷) و بر آن است که ظرفیت‌سازی در سطح نهادی باید شامل کمک به نهادهای از پیش موجود در کشورهای در حال توسعه باشد. ظرفیت‌سازی در واقع در حرکت نهادها و سازمان‌ها نقش کلیدی دارد و امکان این را می‌دهد، علاوه بر توان‌یابی برای رقابت، رشد و توسعه و پذیرش نقش‌های جدید را تجربه کنند. بنابراین، ظرفیت‌سازی باید در همه درجات و عرصه‌های مرتبط با مدیریت و توسعه شهرها انجام گیرد. ظرفیت‌سازی یا توسعه ظرفیتی مفاهیمی نسبتاً جدید در بحث‌های توسعه‌ای هستند که از دو الی سه دهه پیش مورد توجه قرار گرفته‌اند؛ به‌ویژه در سطوح محلی، منطقه‌ای، شهری، روستایی، و در سطح اجتماعات محلی و حکمروایی به‌عنوان یکی از ابزارهای اصلی سیاستی برای پیشبرد توسعه. تلاش‌های گسترده نهادهای بین‌المللی، ملی، منطقه‌ای، و شهری در زمینه‌های مختلف به انباشت تجارب و روش‌های ظرفیت‌سازی در بخش‌ها و سطوح مختلف منجر شده است که در محتوای توسعه و رقابت شهری این امر عمدتاً در چارچوب رویکرد نهادی و در درون ظرفیت‌سازی خلاصه شده است (توروک، ۲۰۰۴: ۱۰۷۲). آنچه در این میان طرح‌کردنی است این است که نهادگرایی در برنامه‌ریزی شهری یا منطقه چه کاربردی می‌تواند داشته باشد؟ در پاسخ باید گفت که اگر به برنامه‌ریزی به‌مثابه یک کنش جمعی نگریسته شود، تصمیمات جمعی برنامه‌ریزی درباره توسعه شهری بدون وجود نهادها امکان‌پذیر نیست.

موضوع ظرفیت‌سازی نهادی، به‌عنوان یکی از سیاست‌های اصلی در فرایند توسعه، پا به عرصه وجود گذاشته و در واقع اصطلاحی است که برای به تحرک واداشتن تغییر نهادی از آن حمایت شده است و نویسندگانی همچون کاپلان و گریندل استدلال می‌کنند که این مفهوم به صورت بنیادی نیازهای توسعه و توان‌یابی را بازگو می‌نماید. براون اظهار می‌کند که ظرفیت‌سازی نهادی در سه حوزه صورت گرفته است: توسعه منابع انسانی؛ توسعه و تقویت ساختارهای درون‌سازمانی و روابط بین‌سازمانی؛ اصلاح و بهبود بسترهای قانونی و مقرراتی و ابزارهای سیاستی برای توانمند کردن سازمان‌ها و نهادها (براون، ۲۰۰۸: ۲۲۲). توجه به ظرفیت‌سازی نهادی در مباحث توسعه و توان‌یابی رقابتی شهرها مباحثی درمورد ماهیت خود این مفهوم به‌وجود آورده است. به نظر هیلی، ظرفیت نهادی می‌تواند بر اساس سه عنصر - یعنی منابع دانش، منابع ارتباطی، و توانایی برای بسیج‌کردن - درک شود. منابع دانش شامل دانش محلی (تجربه محلی مردم و دانش بومی آن‌ها) و همچنین دانش ارائه‌شده توسط سایر ذی‌نفعان همچون گروه‌های حرفه‌ای، افراد به‌اصطلاح متخصص، و سازمان‌هاست. از نظر هیلی، دانش محتوای اجتماعی دارد؛ بنابراین، منابع ارتباطی اشاره به توسعه شبکه‌هایی دارد که ایجاد شناخت، اعتماد، و مهارت‌های ارتباطی لازم و کافی را برای ذی‌نفعان مختلف جهت ابراز آرا و عقاید تسهیل می‌کند. توسعه چنین شبکه‌هایی، ضمن تقویت سرمایه اجتماعی و افزایش اعتماد در روابط، باعث افزایش جریان دانش و اطلاعات بین ذی‌نفعان و افزایش دسترسی به سرمایه هوشمند می‌شود و به بسیج منابع اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی برای رسیدن به اهداف مجموعه ذی‌نفعان کمک می‌کند (هیلی، ۱۹۹۸: ۱۵۳۷). ایوانس و همکاران ظرفیت یا سرمایه نهادی را در محتوای گسترده‌تر اداره‌کردن و آن را عمدتاً در قالب حکومت می‌بینند. آن‌ها اداره‌کردن را فراتر از حکومت و حکمروایی و در واقع متشکل از این دو دیده‌اند. به همین دلیل، به نظر ایوانس و همکاران، دو نوع از سرمایه - که شامل سرمایه اجتماعی (مشخصه جامعه مدنی) و سرمایه نهادی (مشخصه حکومت) است - و روابط و سطح

تأثیرگذاری این دو در مجموع پیامدهای سیاست‌های توسعه‌ای را تعیین می‌کند (ایوانس و همکاران، ۲۰۰۵: ۲۱-۲۳). گیس و همکاران ظرفیت نهادی را در ارتباط تنگاتنگ با حکمروایی می‌بینند و بر آن‌اند که ظرفیت نهادی تا اندازه‌ی زیادی به تنوع نهادها بستگی دارد؛ در حالی که، به نظر هودسون، ظرفیت نهادی صرفاً به معنی تعداد و تراکم نهادها در درون یک شهر یا منطقه نیست، بلکه بر قوت و توانایی، کیفیت و چگونگی تعاملات آن‌ها با هم نیز اشاره دارد (هادسن، ۲۰۰۴: ۱۰). استین نیز ظرفیت نهادی را در داخل مجموعه‌ی گسترده‌تری، که آن را ماتریس نهادی نام‌گذاری کرده است، می‌بیند. از دیدگاه وی، برای رسیدن به سطحی از استاندارد زندگی، چارچوب‌های نهادی جدیدی که شامل هنجارها، مقررات، ظرفیت‌ها، سازمان‌ها، و مشوق‌هاست مورد نیاز است (شکل ۱).



شکل ۱. نمودار ماتریس چهارگانه استین

منبع: فرجی راد، ۲۰۱۲: ۸۴

به‌طور کلی، ظرفیت نهادی در حوزه‌های مطالعاتی مختلف بررسی و تحلیل شده است؛ از جمله در این زمینه می‌توان به گردانو (۲۰۰۱)، هورن (۲۰۰۲)، ویلمز و بومرت (۲۰۰۳)، ایماوردین (۲۰۰۳)، کامیسیون اروپا (۲۰۰۵)، و دمن (۲۰۰۸) اشاره کرد که هر کدام به نوعی ظرفیت نهادی را بررسی و در چارچوب خاصی آن را تحلیل کرده‌اند. در پژوهش حاضر نیز ظرفیت نهادی وارد حوزه رقابت‌پذیری شده و رابطه ظرفیت نهادی و رقابت‌پذیری شهری تبیین شده است.

ظرفیت نهادی و رقابت‌پذیری شهری

خاستگاه بحث رقابت‌پذیری اقتصاد سطح بنگاهی است که ابتدا با کتاب مزیت رقابتی ملل پورتر وارد سطح کلان اقتصاد شد و پس از چالش‌های فراوان در ادامه با اهمیت‌یافتن بحث توسعه شهرها و مناطق رقابت‌پذیری جای خود را در دل بحث‌های شهری - منطقه‌ای باز کرد و این ایده، که شهرها به صورت به رقابت با یکدیگر می‌پردازند، در محافل علمی و سیاست‌گذاری طرح و بررسی شد. کرسل (۲۰۱۲) رقابت‌پذیری شهری را وضعیتی می‌داند که یک شهر یا منطقه شهری در مقایسه با سایر شهرهای رقابتی قادر به ارائه شغل، درآمد، امکانات فرهنگی یا تفریحی، درجه انسجام اجتماعی، حکمروایی، و محیط شهری است و این عوامل بخشی از امیال ساکنان جدید و فعلی است. سینکین (۲۰۰۹) رقابت‌پذیری شهری را توانایی جمعیت شهری برای حفظ موقعیت رقابتی در یک ناحیه خاص (بازار) رقابتی میان سایر شهرها/شهرهای مشابه و اتخاذ اهداف مشابه با حفظ منابع و بهبود رفاه جامعه شهری به‌وسیله مدیریت عوامل محیط خارجی و داخلی می‌داند. کستیابنین (۲۰۰۲) نیز رقابت‌پذیری را توانایی جذب جریان اطلاعات، فناوری، سرمایه، فرهنگ، مردم، و سازمان‌های مرتبط با آن - که برای منطقه مهم‌اند - و همچنین قادر بودن به حفظ و بهبود کیفیت زندگی و استانداردهای زندگی ساکنان محلی به‌عنوان توانایی‌ای برای ایجاد یک محیط عملیاتی نوآورانه با قابلیت توسعه تعریف می‌کند. محققان فعال در حوزه رقابت‌پذیری بیان می‌کنند که شهرها نه تنها یک واحد اقتصادی، بلکه یک نظام اجتماعی و زیست‌محیطی‌اند و آینده آن‌ها در گرو این عوامل است و در ارزیابی رقابت بین شهرها تأکید بر ابعاد اقتصادی، اجتماعی، و زیست‌محیطی است که زمینه‌های دستیابی به رقابت شهری پایدار را فراهم می‌سازد (ژیانگ و شن، ۲۰۱۰: ۳۰۸). در

این میان، محققانی مانند چینگ یون و همکاران (۲۰۱۴) علاوه بر سه عامل یادشده بر عامل چهارمی به نام رقابت محلی معتقدند (جدول ۱).

جدول ۱. عوامل سه‌گانه و چهارگانه رقابت‌پذیری شهری

عامل	محقق	شرح
اقتصادی	Qingyun	عملکرد اقتصادی، ساختار اقتصادی، و بازاریابی
اجتماعی-	Bruneckiene	عملکرد اقتصادی، رشد ظرفیت اقتصادی شهری
فرهنگی	Qingyun	منابع انسانی و آموزش، کیفیت زندگی، منابع فرهنگی، شاخص توسعه، و مدیریت اجتماعی
محیطی	Bruneckiene	منابع انسانی و نظام آموزشی، رفاه اجتماعی، شرایط زندگی، کارایی دولت
محلی	Qingyun	آلودگی محیط زیست، رفع آلودگی و کیفیت و حفاظت محیط زیست
	Bruneckiene	کیفیت محیط زیست
	Qingyun	دسترسی (در دسترس بودن) و ارزیابی زمین

پورتر ادعا می‌کند که رقابت در سطح شهری نه تنها بر مبنای پیوندهای اقتصادی، زیست‌محیطی، و فضایی‌اش، بلکه به استراتژی‌های سیاسی و ظرفیت اداری بخش خصوصی و عمومی مبتنی است (سرانو، ۲۰۰۳: ۱۰۹) و همین امر نیاز به ظرفیت‌سازی و ظرفیت نهادی را در رقابت‌پذیری شهری نشان می‌دهد. در بحث از ظرفیت نهادی و مشخصه‌های مربوط به آن عواملی از قبیل ترتیبات نهادی مناسب و کارآ، توانایی نهادها در به‌کارگیری نیروهای انسانی و مادی و تخصصی مختص به خود، هماهنگی و یکپارچگی نهادها در سطح محلی و منطقه‌ای، و همچنین در سطوح بالاتر به هنگام ارجاع نیازهای محلی - شهری به مراتب بالاتر و در مرکز، دانش و تخصص‌های موجود در سطح محلی برای به‌کارگیری در مسیر رقابتی شهر، ظرفیت‌سازی نهادها در زمینه ترتیبات قانونی مناسب، و درواقع عدم تعدد قوانین دست‌وپاگیر در تدوین برنامه‌ها و در پی آن اجرای امور و ... می‌تواند به‌روشنی تأثیرات واضح خود را در سطح توسعه رقابتی شهر گذارد. پس روشن است که در چارچوب ظرفیت‌سازی نهادی برای رقابت‌پذیری شهری قبل از هر چیز ارتقای نهادها و بعد از آن تأکید بر عواملی از قبیل سرمایه اجتماعی، سرمایه انسانی، ظرفیت نهادی در سطح محلی، حکمروایی بهینه، توسعه شبکه‌های اجتماعی، و گسترش دانش و فرایندهای ابتکاری در سطح محلی و نهادی، کارآفرینی، و تمرکز بر افزایش مزیت‌های رقابتی مهم می‌نماید.

ظرفیت نهادی و حکمروایی شهری

همان‌گونه که در نگرش‌ها و تجربیات اخیر می‌توان مشاهده کرد، رد پای حکمروایی بهینه شهری در ایجاد ظرفیت نهادی قابل مشاهده است. درواقع، حکمروایی به‌عنوان فصل مشترک نهادها و رقابت‌پذیری شهرها عمل می‌کند و در این عرصه است که نهادهای بخش‌های مختلف دولتی، عمومی، خصوصی، و مردمی می‌توانند به معنای واقعی بر رقابت بین شهرها تأثیرگذار باشند. زیرا یک سیستم حکمروایی خوب شهری با ظرفیت می‌تواند یادگیری، استعدادها، خلاقیت، توان‌ها، و ... را به تهدیدات و فرصت‌ها پیوند دهد و به‌وسیله همکاری بین بازیگران متنوع به حل مسائل موجود و کاهش پیچیدگی آن‌ها کمک کند (اینز و بوهر، ۲۰۰۲: ۷)؛ بدین دلیل که ظرفیت جامعه، تعامل سرمایه انسانی، منابع سازمانی، و سرمایه اجتماعی موجود در یک جامعه می‌تواند برای حل مسائل جمعی و بهبود آن مورد استفاده قرار گیرد و این از طریق فرایندهای مربوط به حکمروایی شهری می‌تواند عمل کند (چاکسین، ۲۰۰۱: ۲۹۵)؛ همان‌گونه که هیلی (۱۹۹۸) راه ایجاد ظرفیت‌های نهادی و اجتماعی را برنامه‌ریزی و اقدام مشترک (حکمروایی شهری) می‌داند (هیلی، ۱۹۹۸). کارلسون و همکاران (۲۰۰۱) نیز اشاره می‌کنند در چارچوب حکمروایی ظرفیت نهادی عنصری ضروری در توسعه شهری دیده می‌شود؛ علاوه بر آن، در چارچوب نظریه حکمروایی، مشارکت و توانمندی نهادها به‌عنوان پیش‌برندگان کلیدی رقابت و

توسعه شهرها نگرسته می‌شوند (سیدلاک و گوبز، ۲۰۱۰: ۱۲۱). این بدین معنی است که یک نهاد با ظرفیت به سرعت به شرایط، رویدادها، فرصت‌ها، و مشکلات جدید واکنش نشان می‌دهد و روش‌ها، اکتشافات، و روابط خود را در صورت نیاز مورد سازش و تغییر می‌دهد. همچنین، خود را به طور مداوم از نظر اقتصادی، اجتماعی، و زیست‌محیطی و عدالت بهبود می‌بخشد و در یک حالت ثابت از تحول نهادی برای ایجاد یک سیستم پایدار جهت توان رقابتی بهره می‌برد (اینز و بوهر، ۲۰۰۲: ۱۷). روشن است که این همکاری فقط از طریق مکانیسم مشارکتی و حکمروایی قابل تأمین است؛ زیرا ظرفیت نهادی از طریق مکانیسم‌های حکمروایی امکان اثرگذاری در سیاست‌ها را دارد و از این طریق ابزارهای متناسب با شرایط مکانی و زمانی جهت رقابت‌پذیری شهری و متعاقب آن توسعه را تعیین می‌کند.

روش تحقیق

پژوهش حاضر، بر حسب هدف، کاربردی و از لحاظ روش و ماهیت توصیفی-تحلیلی است. روش جمع‌آوری داده‌ها مبتنی بر روش پیمایشی (پرسش‌نامه) بوده است. پرسش‌نامه ساخت یافته بدین صورت استخراج شده است که ابتدا کلیه شاخص‌های ظرفیت نهادی برای رقابت‌پذیری در پرسش‌نامه‌ای تحت عنوان پرسش‌نامه خبرگان جای می‌گیرد و سپس این شاخص‌ها از طریق در اختیار قراردادن پرسش‌نامه‌ها به نخبگان ارزیابی می‌شوند و به آن‌ها امتیاز داده می‌شود؛ بدین وسیله شاخص‌هایی که امتیازی بالاتر از میانگین ۵ به دست آورده‌اند به عنوان شاخص‌های مورد بررسی باقی مانده و شاخص‌هایی با امتیاز پایین‌تر از حد وسط ۵ حذف شده‌اند. بنابراین، ۳۸ شاخص برای ارزیابی ظرفیت نهادی در رقابت‌پذیری شهری تعیین شد. همچنین، اعتبار و برازش پرسش‌نامه مورد استفاده با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی در نرم‌افزار لیزرل صورت گرفته است. جامعه آماری تحقیق شامل دو گروه مسئولان (نهادهای) و مردم (مراجعه‌کنندگان به ادارات شهری) دو شهر زنجان و سنندج است که با استفاده از فرمول کوکران حجم جامعه نمونه مردم ۷۶۰ نفر برآورد شده است (۳۸۰ پرسش‌نامه برای هر کدام از شهرها). همچنین، جامعه نمونه برای گروه مسئولان ۲۶۰ نفر است که سهم هر شهر ۱۳۰ نفر بوده است؛ روش تخمین حجم نمونه پرسش‌نامه نهادها (مسئولان) بر اساس نهادهای شهری و کارشناسان و مدیران آن‌ها بوده است. در واقع، در هر یک از ادارات شهری سعی شده است با مدیران، کارشناسان، و معاونان پرسشگری صورت گیرد و بر همین اساس و بر اساس تعداد ادارات شهری حجم نمونه تعیین شده است؛ روش نمونه‌گیری گروه شهروندان نمونه‌گیری تصادفی و گروه مسئولان به روش غیرتصادفی و هدفمند بوده است.

داده‌های جمع‌آوری شده در محیط نرم‌افزارهای SPSS و Lisrel تحلیل شده است. در مرحله اول برای روشن شدن وضعیت شاخص‌های ظرفیت نهادی در رقابت‌پذیری شهری، داده‌ها به وسیله میانگین در نرم‌افزار SPSS تحلیل شد و همچنین در نرم‌افزار Lisrel به وسیله مدل معادلات ساختاری شاخص‌های ظرفیت نهادی در رقابت‌پذیری شهری بررسی شد و وضعیت هر یک از شاخص‌های ظرفیت نهادی به تفکیک شهرهای سنندج و زنجان و برای هر دو گروه مراجعه‌کنندگان و مسئولان مشخص شد. در وهله بعد نیز برای تعیین مهم‌ترین عامل تأثیرگذار ظرفیت نهادی در رقابت‌پذیری شهری، میانگین‌های مرتبط بررسی شد و همچنین مدل معادلات ساختاری مؤلفه‌های ظرفیت نهادی در رقابت‌پذیری شهری به تفکیک شهرها ارزیابی شد و مهم‌ترین عامل تأثیرگذار ظرفیت نهادی در رقابت‌پذیری شهری تعیین شد. در نهایت، برای بررسی تأثیر ظرفیت نهادی بر رقابت‌پذیری شهری، مدل معادلات ساختاری تأثیر ظرفیت نهادی در رقابت‌پذیری شهری به وسیله نرم‌افزار Lisrel به تفکیک مؤلفه‌های سه‌گانه و چهارگانه رقابت‌پذیری شهری ارزیابی شد.^۱

۱. در تئوری‌های مربوط به رقابت‌پذیری، بر سه اصل رقابت اقتصادی، اجتماعی، و محیطی تأکید شده است. با وجود این، در برخی مطالعات خارجی بر چهار اصل رقابت اقتصادی، اجتماعی، محیطی، و محلی تأکید شده است. در پاسخ‌گویی به هدف تحقیق (تأثیر ظرفیت نهادی بر رقابت‌پذیری شهری)، داده‌ها در

تحلیل عاملی تأییدی (Lisrel)

پیش از پرداختن به سؤالات تحقیق، لازم است ابتدا به برازش و پایایی متغیرها و پرسش‌نامه طرح‌شده پرداخته شود. بدین منظور، با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی در نرم‌افزار Lisrel، برازش و پایایی پرسش‌نامه‌های نهادها و مردم در هر دو شهر ارائه شده است. تحلیل عاملی تأییدی به بررسی این مطلب می‌پردازد که آیا داده‌های موجود برازش دارد یا نه.

به‌منظور تأیید اندازه‌های برازندگی خروجی لیزرل، برای برازش در اینجا کی‌دو آورده شده که هرچه به صفر نزدیک‌تر باشد نشان از برازش مطلوب دارد. به دلیل اینکه کای اسکوئر تحت تأثیر حجم نمونه است، اگر مقدار کی‌دو را بر درجه آزادی تقسیم کنیم، در یک برازش ایده‌آل برابر با یک خواهد بود. در صورتی که مقدار ۲ و کمتر شود، نشان از برازش مطلوب دارد. همچنین، RMSEA^۱ در صورتی که کمتر از ۰/۰۵ باشد، نشان از برازش مطلوب دارد. همچنین، شاخص‌های نکویی برازش^۲ و نکویی برازش اصلاح‌شده^۳ نشان می‌دهند مدل تا چه حد نسبت به فقدان آن برازندگی بهتری دارد، باید برابر یا بزرگ‌تر از ۰/۹۰ باشد تا مدل موردنظر پذیرفته شود. یکی از شاخص‌های نسبی شاخص نرم‌شده^۴ برازندگی است که مستلزم مفروضه‌های مجذور کی‌دو نیست؛ چون دامنه NFI بین صفر و یک قرار دارد یک مدل مطلوب به‌شمار می‌آید. بنتلر و بونت (۱۹۸۰) مقادیر NFI برابر یا بزرگ‌تر از ۰/۹۰ را در مقایسه با صفر به‌عنوان عدد مناسبی برای برازندگی مدل‌ها توصیه کرده‌اند. در همه موارد، شاخص‌های به‌کارگرفته‌شده در این پژوهش از نظر برازش از مقدار مطلوب بالاتر می‌باشند و در نتیجه مدل پژوهش حاضر مدل مناسبی است. در نهایت، تحلیل‌ها به‌وسیله مدل معادلات ساختاری و با استفاده از نرم‌افزار Lisrel تکمیل شدند که در جدول‌های ۲ و ۳ نتایج مدل تحلیل عاملی تأییدی جهت برازش و پایایی مؤلفه‌های مورد بررسی پژوهش آورده شده است.

جدول ۲. میزان برازش و پایایی مدل معادلات ساختاری در پرسش‌نامه نهادها (مسئولان) برای شهرهای زنجان و سنندج

مؤلفه	شهر	AGFI	(PGFI)	Df	GFI	Chi-Square	P-value	RMSEA
توانایی نهادها	زنجان	۰/۹۸	۰/۴۲	۱۵	۰/۹۹	۱۲/۵۱	۰/۵۳۹۹	۰/۰۰۰
	سنندج	۰/۹۸	۰/۵۳	۱۵	۰/۹۹	۵/۸۸	۰/۷۳۸۸	۰/۰۰۰
یکپارچه‌بودن نهادها	زنجان	۰/۹۹	۰/۲۰	۲۲	۰/۹۹	۸/۶۳	۰/۳۲۱۵	۰/۰۰۰
	سنندج	۰/۹۹	۰/۳۳	۸	۰/۹۸	۱۴/۱۸	۰/۰۰۰۰۷	۰/۰۱۵
دانش	زنجان	۰/۹۹	۰/۴۸	۱۰	۰/۹۸	۲/۵۳	۰/۱۳۲۶	۰/۰۱۰
	سنندج	۰/۹۹	۰/۳۰	۷	۰/۹۹	۶/۱۵	۰/۵۲۷۳	۰/۰۰۰
یادگیری	زنجان	۰/۹۸	۰/۲۰	۲۳	۰/۹۹	۲/۶۱	۰/۳۷۴۹	۰/۰۰۰
	سنندج	۰/۹۷	۰/۵۶	۲۱	۰/۹۹	۳/۷۵	۰/۲۷۷۹	۰/۰۲۰
ترتیبات قانونی مناسب	زنجان	۰/۹۷	۰/۴۳	۱۲	۰/۹۹	۱/۰۲۷	۰/۸۷۸۱	۰/۰۰۰
	سنندج	۰/۹۸	۰/۴۰	۷	۰/۹۹	۰/۱۰۰	۰/۹۸۱۸	۰/۰۰۰

نرم‌افزار لیزرل ابتدا به‌وسیله سه عامل اصلی رقابت‌پذیری شهری یعنی عوامل اقتصادی، اجتماعی، و محیطی و سپس به‌وسیله چهار عامل اقتصادی، اجتماعی، محیطی، و محلی ارزیابی شده است. ذکر این نکته لازم است که این نوع ارزیابی دوگانه به دلیل ارائه نتایج قابل اعتمادتر انجام گرفته است.

۱. ریشه میانگین مجذور پس‌مانده‌ها

2. GFI

3. AGFI

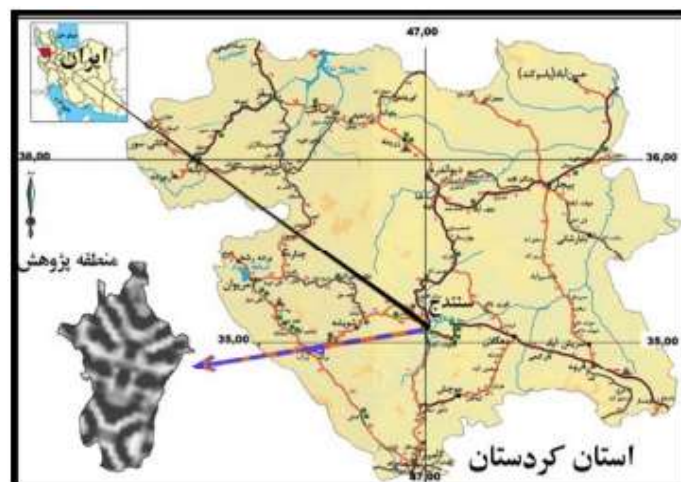
جدول ۳. میزان برازش و پایایی مدل معادلات ساختاری در پرسش‌نامه مردم (مراجعه‌کنندگان) برای شهرهای زنجان و سنندج

شهر	مؤلفه	AGFI	(PGFI)	df	GFI	Chi-Square	P-value	RMSEA
زنجان	توانایی نهادها	۰٫۹۹	۰٫۴۳	۱۵	۰٫۹۹	۱۲٫۵۱	۰٫۶۳۹۹	۰٫۰۰۰
سنندج		۰٫۹۹	۰٫۴۳	۱۵	۰٫۹۹	۵٫۸۸	۰٫۶۳۹۹	۰٫۰۰۰
زنجان	یکپارچه بودن	۰٫۹۹	۰٫۲۰	۲	۰٫۹۹	۱٫۶۳	۰٫۴۴۱۵	۰٫۰۰۰
سنندج		۰٫۹۹	۰٫۳۳	۵	۱	۵۴٫۸۷	۰٫۰۰۰۰۷	۰٫۰۳۵
زنجان	دانش نهادها	-	۰٫۷۳	-	۰٫۹۴	-	۰٫۰۰۲۶	۰٫۰۳۰
سنندج		۰٫۹۹	۰٫۳۰	-	۱	۴٫۱۵	۰٫۵۲۷۳	۰٫۰۰۰

بر اساس جدول‌های ۲ و ۳، معناداری ضرایب و پارامترهای به‌دست‌آمده مدل اندازه‌گیری در مؤلفه‌های مذکور در کلیهٔ عامل‌ها و میزان تمامی ضرایب به‌دست‌آمده معنی‌دارند. زیرا مقدار آزمون معناداری تک‌تک آن‌ها در RMSEA از ۰٫۰۵ یا (۰٫۰۹) کوچک‌تر است و این امر نشان‌دهندهٔ معنی‌دار بودن و تأیید تحلیل عاملی است. هر قدر میزان X^2 کمتر و نسبت آن به df پایین‌تر باشد مدل برازش بهتری دارد و مناسب‌تر است. می‌توان استدلال کرد که مدل تحلیل عاملی نتایجی با برازش مطلوبی ارائه داده که نشان از مدلی با معنی‌داری بالا بین شاخص‌های به‌کاررفتهٔ ظرفیت نهادی در رقابت‌پذیری شهری دارد.

محدودهٔ پژوهش

شهرستان سنندج در مرکز استان کردستان قرار گرفته و از شمال به شهرستان دیواندره، از غرب به میوان و سروآباد، از جنوب به شهرستان کامیاران، و از شرق به شهرستان‌های قروه و دهگلان محدود شده است. شهر سنندج، مرکز استان کردستان، در موقعیت جغرافیایی ۳۵ درجه و ۲۰ دقیقهٔ عرض شمالی و ۴۷ درجه و ۱۸ دقیقهٔ طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ و ۱۵ درجهٔ طول غربی از نصف‌النهار تهران قرار دارد. از نظر موقعیت نسبی، این شهر بر سر راه بزرگراه شمال (تبریز) به جنوب (اهواز) و نیز به‌عنوان شهر بزرگ مرز غربی کشور با حکومت اقلیم کردستان عراق از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. جمعیت سنندج، براساس آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۴۱۴۰۶۹ نفر بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵).



شکل ۲. نقشهٔ موقعیت جغرافیایی شهر سنندج در تقسیمات سیاسی-اداری کشوری و استانی

شهر زنجان، به‌عنوان مرکز سیاسی-اداری استان زنجان، از سمت شمال به شهرستان‌های طارم و ابهر، از جنوب به شهرستان خدابنده، و از غرب به شهرستان ماهنشان در محدوده استان زنجان محدود می‌شود. این شهر در بخش شرقی استان زنجان در مدار ۴۷ درجه و ۴۷ دقیقه طول شرقی و ۳۷ درجه و ۸ دقیقه عرض شمالی قرار گرفته است. شهر زنجان در فاصله ۳۳۰ کیلومتری تهران و در حد فاصل مسیر ارتباطی تهران به تبریز قرار دارد و وجود محور خط‌آهن تهران-تبریز و جاده ترانزیتی تهران-تبریز، که ایران را به ترکیه و اروپا متصل می‌کند، از عمده‌ترین دلایل مورد توجه واقع شدن شهر است. جمعیت زنجان، بر اساس آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور، ۴۳۰۸۷۱ نفر بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵).



شکل ۳. نقشه موقعیت جغرافیایی شهرستان و شهر زنجان در تقسیمات استانی

یافته‌های تحقیق

پیش از پرداختن به یافته‌های استنباطی و تحلیل‌ها، نخست ویژگی‌های پاسخ‌گویان در قالب یافته‌های توصیفی ارائه می‌شود (جدول ۴). یافته‌های توصیفی از این جهت دارای اهمیت است که اطلاعاتی کلی در رابطه با برخی ویژگی‌های پاسخ‌گویان در اختیار محقق قرار می‌دهد و چه بسا اینکه به محقق در رابطه با تحلیل‌های انجام‌گرفته یاری رساند. مثلاً، در رابطه با پرسش‌نامه نهادها، اطلاعات توصیفی می‌تواند برخی از ویژگی‌های درون نهادها را منعکس کند. به دلیل اینکه پاسخ‌گویان این پرسش‌نامه، مسئولان واحدهای درون نهادها بوده‌اند. همچنین، در رابطه با شهروندان نیز مواردی مانند سطح تحصیلات، وضعیت سکونت، میزان مراجعه به نهادها و ... در نظر گرفته شده که اطلاعات مربوطه به‌صورت خلاصه ارائه شده است. در رابطه با پرسش‌نامه نهادها، پرسش‌نامه‌های توزیع‌شده در بین کارشناسان و مسئولان واحدهای درون نهادها در هر دو شهر زنجان و سمنجان مجموعاً ۲۶۰ پرسش‌نامه بوده که از این تعداد سهم هر کدام ۱۳۰ عدد بوده است و مجموعاً تعداد ۲۴۲ پرسش‌نامه به‌صورت کامل تکمیل و به محقق عودت شده است که مجموعاً ۹۳٫۰۷ درصد پرسش‌نامه‌ها را شامل می‌شود.

جدول ۴. مشخصات جامعه نمونه مورد تحقیق به تفکیک نهادها و مردم (زنجان و سنندج)

شهر	جامعه آماری	حجم نمونه	نمونه‌گیری	جنس	سن	تحصیلات		سابقه اشتغال
						کارشناسی و کارشناسی کاردانی	دیپلم	
زنجان	مسئولان	۱۳۰	غیر تصادفی	مرد	۲۵۱	۴۷	۶۵	۱/۹
سنندج	مسئولان	۱۳۰	غیر تصادفی	مرد	۱۹	۳/۶	۶۸/۵	۰/۹
زنجان	مردم	۲۸۰	تصادفی	مرد	۲۶۹	۵	۱۷/۸	۶
سنندج	مردم	۲۸۰	تصادفی	مرد	۲۰۸	۶/۶	۲۰/۶	۳/۱
							روستا-شهر	
							ابتدایی	
							راهنمایی	
							دیپلم	
							کارشناسی	
							ارشد و بالاتر	

مأخذ: نتایج تحقیق

در ادامه یافته‌های پژوهش، نتایج برای بررسی وضعیت شهرهای زنجان و سنندج به لحاظ شاخص‌های ظرفیت نهادی در رقابت‌پذیری شهری ارزیابی می‌شود. نتایج حاصل از این بررسی‌ها، که به وسیله نرم‌افزارهای SPSS و Lisrel انجام گرفته، به تفکیک شهرهای مورد مطالعه ارائه شده و در ابتدا از طریق میانگین‌ها، شاخص‌ها، و مؤلفه‌های موردنظر ارزیابی شده و سپس از طریق Lisrel به بررسی پرداخته شده است. در نهایت، نتایج بررسی و تحلیل به صورت کلی وضعیت شهرهای مورد مطالعه را از نظر شاخص‌های موردنظر مشخص خواهد کرد.

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، میانگین هر کدام از شاخص‌های پانزده‌گانه در شهرهای زنجان و سنندج در جدول ۵ آورده شده است. بر همین اساس، در شهر زنجان شاخص‌های سرمایه انسانی، برخورداری از منابع، هدفمندبودن، انعطاف‌پذیری، روابط درون شهری نهادها، دانش رسمی، یادگیری پیوسته، و خوانابودن میانگینی بالاتر از حد متوسط (۳) کسب کرده‌اند و در بین کل شاخص‌ها، شاخص سرمایه انسانی با ارزش عددی ۳/۴۴ بیشترین و روابط درون نهادی با ارزش عددی ۲/۲۹ کمترین میانگین را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین، شاخص‌های سرمایه انسانی، دانش رسمی، و برخورداری از منابع سه شاخصی هستند که بیشترین میانگین ممکن را به خود اختصاص داده‌اند. در شهر سنندج نیز شاخص‌های سرمایه انسانی، برخورداری از منابع، هدفمندبودن، انعطاف‌پذیری، دانش رسمی، یادگیری پیوسته، و خوانابودن میانگینی بالاتر از حد متوسط (۳) کسب کرده‌اند. در مجموع شاخص‌ها، شاخص سرمایه انسانی با ارزش عددی ۳/۳۹ بیشترین و توان جمعی نهادها با ارزش عددی ۲/۴۸ کمترین میانگین را به خود اختصاص داده‌اند. شاخص‌های سرمایه انسانی، خوانابودن، و برخورداری از منابع سه شاخص اول ظرفیت نهادی در شهر سنندج هستند.

در هر دو شهر مورد مطالعه، شاخص سرمایه انسانی بیشترین میانگین ممکن را در بین سایر شاخص‌ها به خود اختصاص داده است. نتایج کلی میانگین‌ها بیانگر آن است که در مجموع، در هر دو شهر، پنج شاخص میانگینی بالاتر از حد متوسط کسب نموده و ده شاخص نیز پایین‌تر از حد متوسط قرار گرفته‌اند. در رابطه با بیشترین و کمترین ارزش عددی نیز در مجموع کل شاخص‌ها در هر دو شهر شاخص سرمایه انسانی با میانگین ۳/۴۴ بیشترین و روابط درون‌نهادی با ارزش عددی ۲/۲۹ کمترین میانگین را به خود اختصاص داده‌اند که این امر ناشی از عدم یکپارچگی درون‌نهادی و همچنین تفرق نهادی در هر دو شهر است.

جدول ۵. میانگین و رتبه شاخص‌های پانزده‌گانه مورد بررسی ظرفیت نهادی در رقابت‌پذیری شهری

مؤلفه‌ها	شاخص‌ها	زنجان		سنندج		رتبه
		میانگین	رتبه	میانگین	رتبه	
	سرمایه انسانی	۳/۴۴	۱	۳/۳۹	۱	۱*
	برخورداری از منابع	۳/۱۸	۳	۳/۱۶	۳	۳
توانایی نهادی	هدفمندبودن	۳/۱۲	۴	۳/۰۲	۷	۶
	نظام مشوق‌ها	۲/۹۹	۹	۲/۹۴	۹	۹
	روابط درون‌نهادی	۲/۲۹	۱۵	۲/۸۹	۱۰	۱۴
	انعطاف‌پذیری	۳/۰۹	۷	۳/۰۵	۶	۶
یکپارچه‌بودن نهادها	روابط درون‌شهری نهادها	۳/۰۴	۸	۲/۹۶	۸	۸
	توان جمعی نهادها	۲/۹۲	۱۰	۲/۴۸	۱۵	۱۲
دانش نهادها	دانش رسمی	۳/۲۱	۲	۳/۱۵	۴	۲
	دانش بومی	۲/۶	۱۴	۲/۵۲	۱۴	۱۵
یادگیری نهادها	یادگیری تعاملی	۲/۶۴	۱۳	۲/۷۵	۱۲	۱۳
	یادگیری تجربی	۲/۸۳	۱۱	۲/۶۸	۱۳	۱۱
	یادگیری پیوسته	۳/۱	۶	۳/۱۳	۵	۵
ترتیبات قانونی مناسب	خوانا بودن	۳/۱۱	۵	۳/۲۱	۲	۴
	بستر قانونی	۲/۷۸	۱۲	۲/۸	۱۱	۱۰

* ۱ به معنای بالاترین رتبه است.

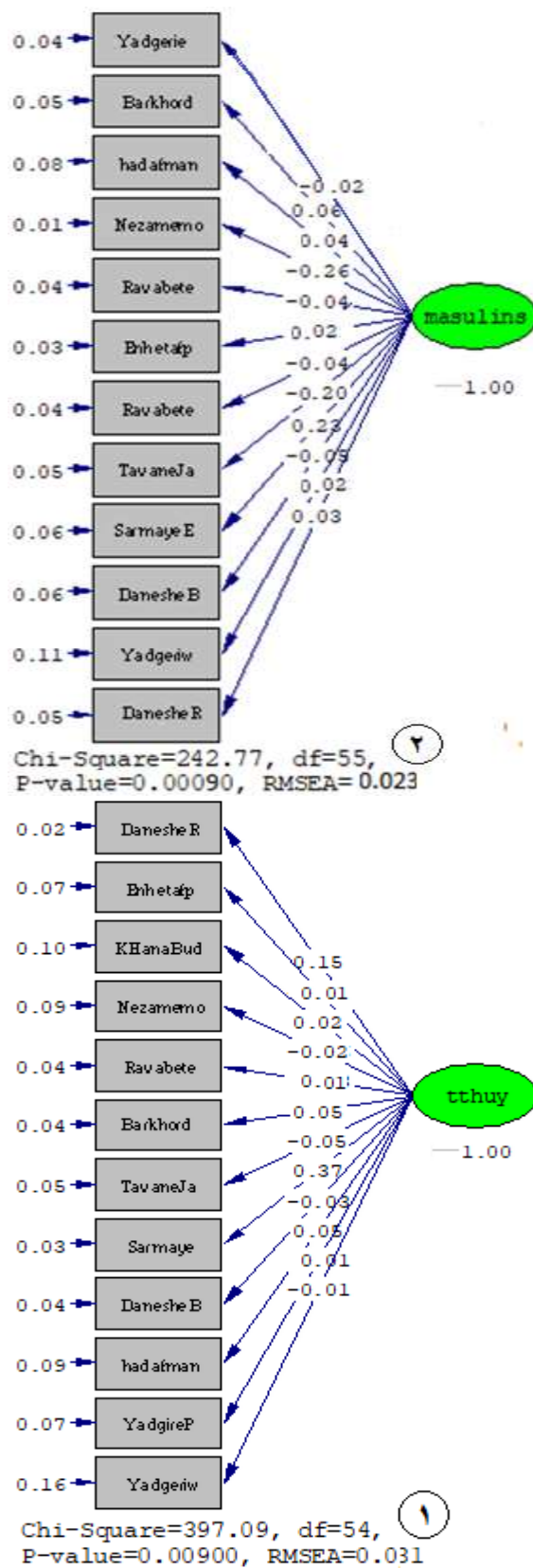
در پرسش‌نامه نهادها همه ۳۸ نماگر ظرفیت نهادی رقابت‌پذیری شهری ارزیابی و سنجش شدند؛ اما تعداد زیادی از این نماگرها فقط از طریق پرسش‌نامه نهادها قابل سنجش بود و سنجش آن‌ها در پرسش‌نامه مردم قابل انجام نبود. به همین دلیل، از مجموع ۳۸ نماگر، در پرسش‌نامه مردم تعداد ۹ نماگر در قالب گویه‌هایی طرح و پرسش شد: تجربه، تخصص، تعهد نیروی انسانی، برخورداری از منابع، انگیزه، هدفمندبودن، انعطاف‌پذیری نهادها در اجرای امور و کارها، تعهد جمعی در بین نهادها برای رقابت‌پذیری، و مراجعه به دانش و تجربیات مردم محلی (جدول ۶).

جدول ۶. میانگین و رتبه نماگرهای ظرفیت نهادی (پرسش‌نامه مردم)

رتبه	سنندج		رتبه	میانگین	شهر	نماگر	مؤلفه
	میانگین	رتبه					
۳	۳,۰۸	۲	۳,۴۹	تجربه نیروی انسانی			
۲	۳,۱۵	۳	۳,۲۸	تخصص نیروی انسانی			
۷	۲,۶۸	۵	۳,۰۴	بانگیزه‌بودن نیروی انسانی			
۶	۲,۷۱	۶	۲,۸۸	تعهد نیروی انسانی			توانایی نهادی
۱	۳,۶۴	۱	۳,۹	برخورداری از منابع			
۴	۲,۹۳	۷	۲,۷۹	هدمندی‌بودن نهادها			
۵	۲,۸۷	۴	۳,۲۴	انعطاف‌پذیری نهادها در اجرای امور			
۹	۱,۸۴	۸	۲,۳۷	تعهد جمعی در بین نهادها			یکپارچه‌بودن نهادها
۸	۲,۴۸	۹	۲,۲۴	مراجعه به دانش و تجربیات مردم محلی			دانش نهادها
-	۲,۸۲	-	۳,۰۲	ظرفیت نهادی (کل)			-

نتایج حاصل از ۹ نماگر مورد بررسی (جدول ۶) حاکی از آن است که از نظر مردم (مراجعه‌کنندگان به نهادهای شهری) شهرهای زنجان و سنندج، ظرفیت نهادی کل برای زنجان ۳,۰۲ و برای سنندج نیز ۲,۸۲ برآورد شده است. این امر بیانگر آن است که در مجموع ظرفیت نهادی در شهرهای مورد مطالعه از دید مردم در سطح قابل قبولی قرار ندارد؛ هرچند که ظرفیت نهادی شهر زنجان به صورت خیلی جزئی به حد متوسط رسیده است، ارزش عددی قابل قبولی را نشان نمی‌دهد. نماگرهای مورد مطالعه که به حد متوسط رسیده‌اند در شهر زنجان شامل تجربه نیروی انسانی، تخصص نیروی انسانی، بانگیزه‌بودن نیروی انسانی، برخورداراری از منابع، و انعطاف‌پذیری نهادها در اجرای امور بوده و در شهر سنندج نیز شامل نماگرهای تجربه نیروی انسانی، تخصص نیروی انسانی، و برخورداراری از منابع است. در شهر زنجان نماگرهای برخورداراری از منابع و مراجعه به دانش و تجربیات مردم محلی به ترتیب با ۳,۹ و ۲,۲۴ بیشترین و کمترین و در سنندج برخورداراری از منابع و تعهد جمعی در بین نهادها به ترتیب با ۳,۶۴ و ۱,۸۴ بیشترین و کمترین ارزش عددی میانگین را به خود اختصاص داده‌اند؛ در مجموع، در رابطه با نماگرها در دو شهر، برخورداراری از منابع با ارزش عددی ۳,۹ و تعهد جمعی در بین نهادها با ارزش عددی ۱,۸۴، به ترتیب بیشترین و کمترین میانگین را کسب کرده‌اند. در نهایت، بر اساس نتایج پرسش‌نامه مردم و بررسی نماگرهای مورد نظر، ظرفیت نهادی از دید پاسخ‌گویان به پرسش‌نامه مردم در هر دو شهر زنجان و سنندج پایین است، به‌رغم اینکه دو شهر مذکور تفاوت‌هایی در ظرفیت نهادی نشان می‌دهند.

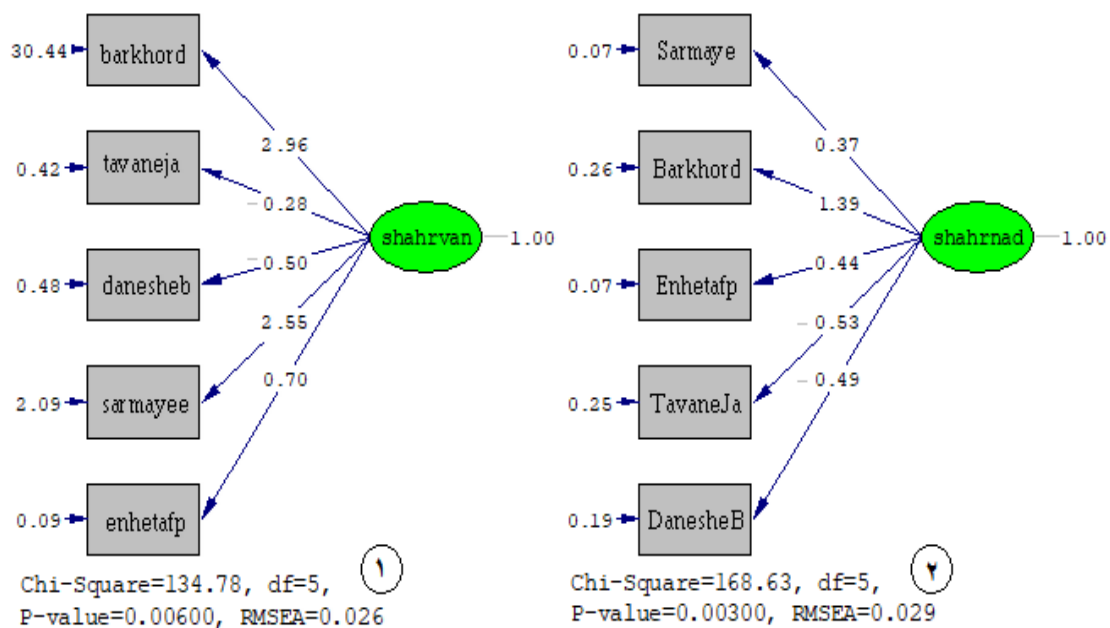
در ادامه، از مدل معادلات ساختاری در نرم‌افزار Lisrel استفاده شده است؛ عددی که با فلش از متغیر پنهان به سمت متغیر آشکار کشیده شده بیانگر آن است که هر متغیر آشکار در اندازه‌گیری متغیر مکنون چه میزان نقش دارد. درواقع، هرچه این بار عاملی بالاتر باشد بیانگر اعتبار بیشتری است. بر اساس خروجی‌های شکل ۴، معناداری ضرایب و پارامترهای به‌دست‌آمده مدل اندازه‌گیری در شاخص‌های ظرفیت نهادی دو شهر زنجان و سنندج معنی‌دار است؛ به‌طوری‌که معنی‌داری ضرایب و پارامترهای به‌دست‌آمده مدل ساختاری ظرفیت نهادی در هر دو شهر معنی‌دار، اما در سطوح مختلف متفاوت است.



شکل ۴. مدل معادلات ساختاری شاخص‌های ظرفیت نهادی در رقابت پذیری شهری (پرسش‌نامه نهادها): (۱: زنجان؛ ۲: سندج)

بر اساس شکل ۴، وضعیت موجود شاخص‌های ظرفیت نهادی در رقابت‌پذیری شهری در شهرهای زنجان و سنندج با استفاده از مدل معادلات ساختاری نشان داده شده است. شاخص سرمایه انسانی در هر دو مدل به ترتیب شهرهای زنجان و سنندج دارای برازش بسیار خوب با ارزش عددی ۰/۳۷ و ۰/۲۳ RMSEA است و برازش مدل را در سطح مطلوبی به نمایش می‌گذارد. عددی که با فلش از متغیر پنهان به سمت متغیر آشکار کشیده شده بیانگر آن است که هر متغیر آشکار در وضعیت موجود نمونه‌های مورد مطالعه چه نقشی دارد؛ هرچه این بار عاملی بالاتر باشد میزان تأثیرگذاری بالاتر است؛ اما وضعیت هریک از شاخص‌ها به صورت سرمایه انسانی با ۰/۳۷، دانش رسمی با ضریب تأثیر ۰/۱۵، و هدفمندبودن و برخورداری از منابع با ضریب ۰/۵ بیشترین ضریب معناداری را در بین شاخص‌های ظرفیت نهادی در شهر زنجان نشان می‌دهند و شاخص‌های دانش بومی ۰/۰۵- و توان جمعی نهادها با ۰/۰۳- بدترین وضعیت ممکن را نشان می‌دهند که نشان از عدم یکپارچگی بین نهادهاست. همچنین، در شهر سنندج وضعیت هریک از شاخص‌ها به صورت سرمایه انسانی با ضریب تأثیر ۰/۲۳، برخورداری از منابع با ۰/۰۶، و هدفمندبودن با ۰/۰۴ بیشترین ضریب معناداری را در بین شاخص‌های ظرفیت نهادی در این شهر نشان می‌دهند و شاخص‌های نظام مشوق‌ها با ۰/۲۶- و توان جمعی نهادها با ۰/۲۰- نامناسب‌ترین وضعیت ممکن را نشان می‌دهند.

بر اساس خروجی‌های به‌دست‌آمده، میزان ضرایب در مدل‌های فوق از لحاظ آماری معنادار است که نشان از تأثیر مؤثر شاخص‌ها در ظرفیت نهادی دارد. در رابطه با معناداری ضرایب و پارامترهای به‌دست‌آمده مدل اندازه‌گیری شده، شاخص‌های ظرفیت نهادی در هر یک از گروه‌ها دارای رابطه معنی‌دار اما متفاوت است؛ به طوری که این رابطه در سطح تأثیرات منفی بوده و فقط معنی‌داری ضرایب و پارامترهای به‌دست‌آمده مدل ساختاری جز در چند عامل در بقیه موارد به سمت منفی گرایش پیدا کرده است؛ زیرا مقدار آزمون معنی‌داری آن‌ها از عدد ۲ بزرگ‌تر و از عدد ۲- کوچک‌تر نیست که این امر نشان از نبود تأثیر مثبت شاخص‌های ظرفیت نهادی در شهرهای مورد مطالعه دارد. پس از ارائه نتایج معادلات ساختاری مرتبط با پرسش‌نامه نهادها، در شکل ۵ معادلات ساختاری پرسش‌نامه مردم آورده شده است.



شکل ۵. مدل معادلات ساختاری شاخص‌های ظرفیت نهادی در رقابت‌پذیری شهری (پرسش‌نامه مردم): (۱: زنجان؛ ۲: سنندج)

در این قسمت از پژوهش، به سهم مؤلفه‌های ظرفیت نهادی در رقابت‌پذیری شهرهای میانی زنجان و سنندج پرداخته و سهم هر یک از عوامل ظرفیت نهادی در رقابت‌پذیری این شهرها مشخص می‌شود. نتایج حاصل از بررسی‌ها به تفکیک دو شهر ارائه شده است و به وسیله میانگین مؤلفه‌های پنج‌گانه مورد نظر ارزیابی شده و سپس از طریق Lisrel به بررسی آن‌ها پرداخته شده است. در نهایت، سهم هر یک از مؤلفه‌های ظرفیت نهادی در رقابت‌پذیری شهری زنجان و سنندج ارزیابی خواهد شد (جدول ۷).

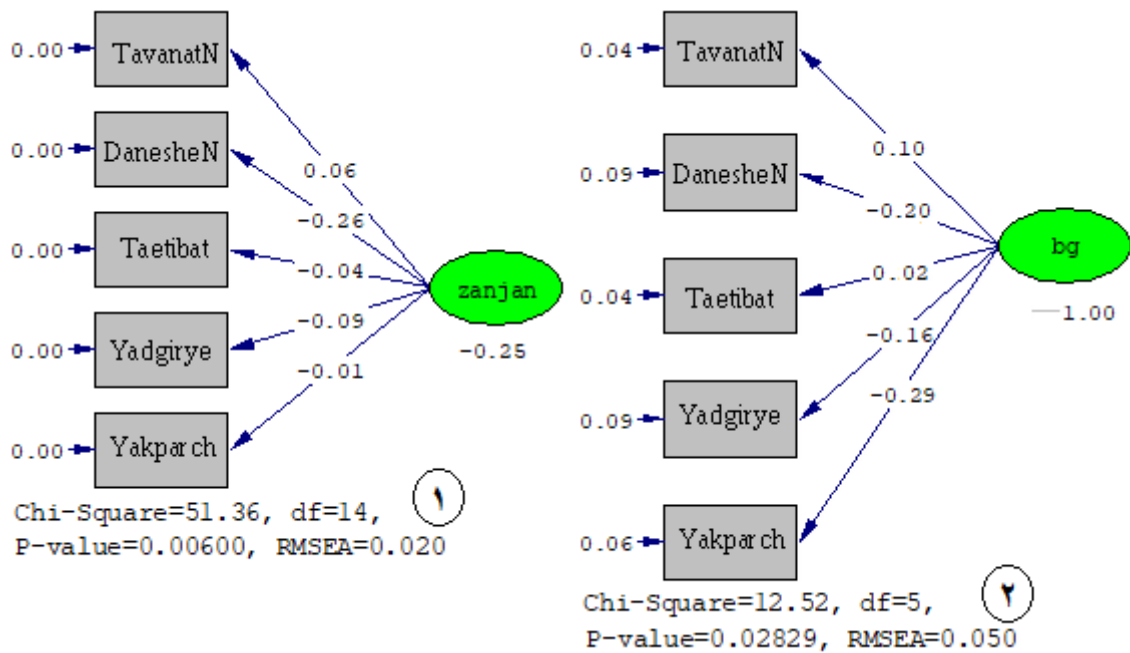
جدول ۷. میانگین و سهم مؤلفه‌های ظرفیت نهادی در رقابت‌پذیری شهری و میزان ظرفیت نهادی کل

مؤلفه	شهر	زنجان		سنندج		کل
		رتبه	میانگین	رتبه	میانگین	
توانایی نهادی		۱	۳٫۰۲	۱	۳٫۰۵	۱
یکپارچه‌بودن نهادها		۲	۲٫۹۸	۵	۲٫۸۵	۴
دانش		۵	۲٫۶۲	۴	۲٫۷۳	۵
یادگیری		۴	۲٫۸۷	۳	۲٫۸۶	۳
ترتیبات قانونی مناسب		۳	۲٫۹۵	۲	۲٫۹۸	۲
ظرفیت نهادی کل			۲٫۸۷		۲٫۹۱	۲٫۸۹

مطابق با جدول ۷، در بین مؤلفه‌های ظرفیت نهادی در شهر زنجان، مؤلفه توانایی نهادی با میانگین ۳٫۰۲ و دانش با میانگین ۲٫۶۵ به ترتیب بیشترین و کمترین سهم را از میانگین‌ها به خود اختصاص داده‌اند و از نظر رتبه‌بندی مؤلفه‌ها به ترتیب مؤلفه‌های توانایی نهادی، یکپارچه‌بودن نهادها، ترتیبات قانونی مناسب، یادگیری، و دانش در رتبه‌های ۱ تا ۵ در ارتباط با ظرفیت نهادی در رقابت‌پذیری شهری بیشترین سهم را به خود اختصاص داده‌اند. در بین مؤلفه‌های پنج‌گانه ظرفیت نهادی در شهر سنندج نیز، مؤلفه توانایی نهادی با میانگین ۳٫۰۸ بیشترین و یکپارچه‌بودن نهادها با ۲٫۷۲ کمترین میانگین ممکن را به خود اختصاص داده‌اند. ذکر این نکته لازم است که مؤلفه‌های توانایی نهادی، ترتیبات قانونی مناسب، یادگیری، دانش، و یکپارچه‌بودن نهادها به ترتیب رتبه‌های ۱ تا ۵ را به دست آورده‌اند.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، مؤلفه توانایی نهادی در هر دو شهر رتبه اول را در بین مؤلفه‌های پنج‌گانه و بعد از آن ترتیبات قانونی مناسب به دست آورده است. ظرفیت نهادی کل در شهر زنجان کمتر از حد متوسط بوده و میزان ۲٫۸۷ است. در شهر سنندج نیز ظرفیت نهادی کل برابر با ۲٫۹۱ بوده است. بنابراین، در هر دو شهر مورد مطالعه ظرفیت نهادی کل کمتر از حد متوسط بوده و میانگینی پایین‌تر از ۳ به دست آورده است. پس نتیجه حاکی از آن است که وضعیت ظرفیت نهادی در رقابت‌پذیری شهری در هیچ کدام از شهرهای زنجان و سنندج مناسب نبوده است؛ هرچند که با فاصله جزئی از حد متوسط جای گرفته و در برخی از مؤلفه‌ها نیز میانگینی بالاتر از حد متوسط (۳) کسب کرده‌اند.

به منظور دستیابی به نتایج بهتر، در مدل معادلات ساختاری به بررسی سهم هر یک از مؤلفه‌های ظرفیت نهادی در رقابت‌پذیری شهرهای مورد مطالعه پرداخته شد تا مؤلفه‌هایی که بیشترین سهم و تأثیر را در ظرفیت نهادی رقابت‌پذیری شهرهای سنندج و زنجان دارند مشخص شود. براساس خروجی شکل ۶ معناداری ضرایب و پارامترهای به دست آمده مدل اندازه‌گیری در مؤلفه‌های ظرفیت نهادی رقابت‌پذیری شهری دو شهر زنجان و سنندج معنی‌دار است. با توجه به نتایج شکل ۶ می‌توان استدلال کرد که شاخص‌های برازش مدل نشان می‌دهد که مدل از برازش بسیار خوبی برخوردار است. RMSEA این شاخص (۰/۰۵۰ و ۰/۰۲۰) تقریباً از آنچه گارسون می‌گوید یعنی ۰/۰۸ RMSEA کمتر است. بنابراین، دارای برازش خوبی است. همچنین، GFI این شاخص (۰/۰۳۰) بیانگر برازش بهتر مدل است. می‌توان گفت مدل دارای برازش نسبتاً خوبی است. با بررسی فلش‌های کشیده‌شده از متغیر پنهان به سمت متغیر آشکار، می‌توان به وضعیت بهترین و متأثرترین متغیر ممکن پی برد.



شکل ۶. مدل معادلات ساختاری مؤلفه‌های ظرفیت نهادی در رقابت‌پذیری شهری (۱. زنجان؛ ۲. سنندج)

همان‌گونه‌که در شکل ۶ مشاهده می‌شود، نتایج مدل معادلات ساختاری در رابطه با ظرفیت نهادی در شهر زنجان نشان می‌دهد که توانایی نهادی با ضریب ۰/۰۶ بیشترین ضریب را به خود اختصاص داده و پس از آن یکپارچه‌بودن نهادها با ضریب ۰/۰۱- قرار دارد. در بین مؤلفه‌های ظرفیت نهادی، فقط توانایی نهادی توانسته است ضریب مثبتی به خود بگیرد و تمامی مؤلفه‌های دیگر ضریب منفی گرفته‌اند. در رابطه با شهر سنندج نیز توانایی نهادی با ضریب ۰/۱۰ بیشترین ضریب ممکن را نشان می‌دهد و پس از آن ترتیبات قانونی و مناسب با ضریب ۰/۰۲- قرار گرفته است و سه شاخص دیگر ضریب منفی گرفته‌اند. در بین مؤلفه‌های پنج‌گانه ظرفیت نهادی در مجموع در هر دو شهر زنجان و سنندج فقط سه مؤلفه توانایی نهادی و ترتیبات قانونی و مناسب توانسته‌اند ضریب مثبت به خود بگیرند. این امر به‌روشنی حاکی از وضعیت نامناسب ظرفیت نهادی در این دو شهر است.

سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان برای افزایش توان اقتصادی شهرها و مناطق و در پی آن افزایش رقابت‌پذیری آن‌ها، در پی تمهیدات و تلاش‌هایی بوده و هستند تا با توسعه ظرفیت‌های ممکن از قبیل ظرفیت نهادی امکان دستیابی به بخشی از زیربنای توان رقابتی را پیدا کنند و بدین جهت تدارکات پیش‌توسعه شهرها را مهیا نمایند. طبق تعریف موجود، نهادها در توسعه و رقابت‌پذیری شهرها نقش ایفا می‌کنند. بر همین اساس، در این قسمت از تحقیق، به‌عنوان بخش پایانی یافته‌ها، با اتکا به آرای متخصصان امر و یافته‌های پیشین به ارزیابی نقش و تأثیر ظرفیت نهادی بر رقابت‌پذیری شهرهای میانی زنجان و سنندج پرداخته می‌شود. ذکر این نکته لازم است که تئوری‌های مرتبط با رقابت‌پذیری شهری بر سه عامل رقابت اقتصادی، اجتماعی، و محیطی تأکید داشته‌اند. اما برخی پژوهشگران خارجی مانند ژیانگ (۲۰۱۴)، علاوه بر سه بُعد ذکرشده، به بُعد چهارمی به نام رقابت محلی معتقدند و در بررسی‌های خود بر چهار عامل رقابت اقتصادی، اجتماعی، محیطی، و محلی تأکید کرده‌اند. برای تأیید خروجی‌های حاصل از نرم‌افزار لیزرل در مدل معادلات ساختاری و بررسی میزان تأثیرگذاری متغیر ظرفیت نهادی بر رقابت‌پذیری شهری، به تفکیک به هر یک از خروجی‌ها پرداخته شده است.

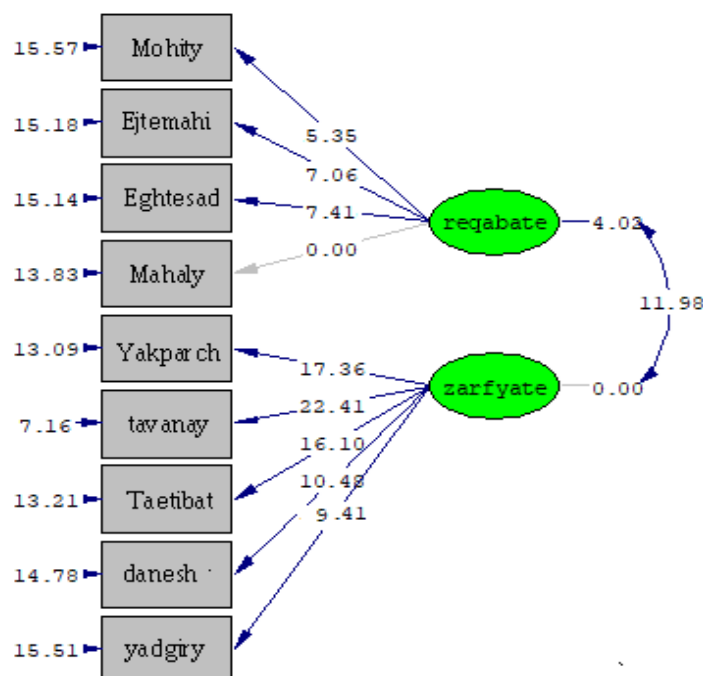
در رابطه با برآزش و نکویی برآزش مدل ارائه‌شده، این مسئله که مدل تدوین‌شده بر مبنای چارچوب نظری پژوهش با شاخص‌های تأثیرگذار بر رقابت‌پذیری شهری انطباق دارد یا خیر و اینکه داده‌های آماری منتج از آرای متخصصان امر تا چه حد

وضعیت و واقعیت پیش روی شهرهای مورد مطالعه را حمایت می‌کند تحت عنوان میزان پُرشدگی و برآزش مدل^۱ مدل آورده شده است. همچنین، $RMSEA = 0.020$ به دست آمده مدل تدوین شده را تأیید می‌کند و در واقع شاخص نکویی برآزش به شمار می‌آید که میزان معناداری رابطه دو متغیر ظرفیت نهادی و رقابت پذیری شهری را تأیید می‌کند. همچنین، بر مبنای مدل معادلات ساختاری، علاوه بر تأیید رابطه دو متغیر، به بررسی میزان تأثیر دو متغیر بر همدیگر نیز پرداخته شده است. نتایج مدل تحلیل عاملی تأییدی جهت برآزش و پایایی شاخص‌های به کاررفته در پژوهش در جدول ۸ آورده شده است که مورد تأیید است.

جدول ۸. میزان برآزش و پایایی مدل نقش و تأثیر ظرفیت نهادی در رقابت پذیری شهری

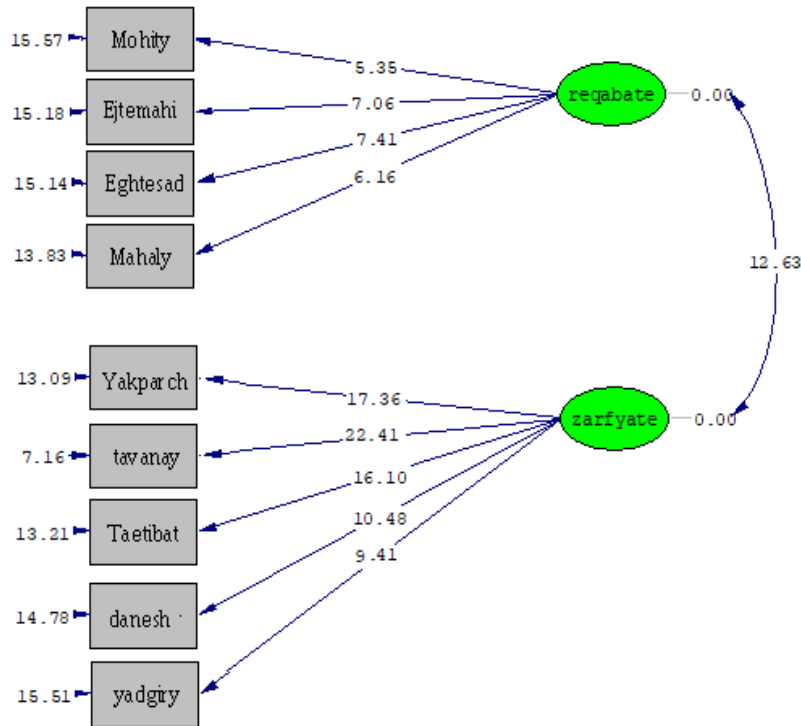
شاخص	AGFI	(PGFI)	Df	GFI	Chi-Square	P-value	RMSEA
اقتصادی	۰.۹۹	۰.۴۲	۸	۰.۹۹	۱۱.۲۱	۰.۵۳۸۸	۰.۰۰۰
اجتماعی	۰.۹۸	۰.۴۰	۷	۰.۹۹	۰.۰۰۰	۰.۸۸۷۴	۰.۰۰۰
محیطی	۰.۹۷	۰.۴۱	۷	۰.۹۹	۱.۶۱	۰.۱۸۴۳۹	۰.۰۲۰
محلی	۰.۹۸	۰.۴۱	۲۶	۰.۹۹	۲.۵۳	۰.۲۲۱۵	۰.۰۰۰

همان گونه که مشاهده می‌شود، مدل ارائه شده به میزان مناسبی دارای برآزش مطلوبی است و بر مبنای آنچه اعلام شده مقدار به دست آمده زیر ۰.۰۵ و ۰.۰۸ است که تفاوت معناداری را نشان می‌دهد. پس تأثیر متغیر ظرفیت نهادی بر رقابت پذیری شهری در سطح بسیار مطلوبی پذیرفته می‌شود و میزان تأثیر با ارزش عددی ۱۱/۹۸ به معنای تأثیرگذاری بالا بوده و بر همین اساس میزان تأثیرگذاری را در سطح مطلوبی تأیید می‌کند (شکل ۷). ذکر این نکته لازم است که در سنجش تأثیر متغیر مستقل بر وابسته در سطح مؤلفه‌های چهارگانه رقابت پذیری شهری، میزان تأثیر بالاتر می‌رود و به ۱۲/۶۳ می‌رسد که تأثیر بسیار بالای متغیر مستقل بر وابسته را نشان می‌دهد (شکل ۸).



Chi-Square=533.04, df=26, P-value=0.00210, RMSEA=0.020

شکل ۷. مدل معادلات ساختاری نقش و تأثیر ظرفیت نهادی در رقابت پذیری شهری (مؤلفه‌های سه‌گانه)



Chi-Square=1324.90, df=26, P-value=0.00200, RMSEA=0.022

شکل ۸. مدل معادلات ساختاری نقش و تأثیر ظرفیت نهادی در رقابت‌پذیری شهری (مؤلفه‌های چهارگانه)

در بحث از ظرفیت نهادی و مشخصه‌های مربوط به آن عواملی از قبیل ترتیبات نهادی مناسب و کارآ، توانایی نهادها در به‌کارگیری نیروهای انسانی و مادی و تخصصی مختص به خود، هماهنگی و یکپارچگی نهادها در سطح محلی و منطقه‌ای، و همچنین در سطوح بالاتر به هنگام ارجاع نیازهای محلی- شهری به مراتب بالاتر و در مرکز، دانش و تخصص‌های موجود در سطح محلی برای به‌کارگیری در مسیر رقابتی شهر، ظرفیت‌سازی نهادها در زمینه ترتیبات قانونی مناسب و در واقع خوانابودن قوانین و عدم تعدد قوانین دست‌وپاگیر در تدوین برنامه‌ها و در پی آن اجرای امور و ... می‌تواند به‌روشنی تأثیرات بسیار واضح خود را بر سطح توسعه رقابتی شهر بگذارد و آن را در میزانی از رقابت‌پذیری قرار دهد که بتواند به توسعه ممکن رهنمود سازد. در واقع، رویکرد نهادی بر پایه رقابت‌پذیری شهری باید در پی این امر باشد که نهادهای مناسب، معتبر، و کارآمد برای رقابت در سطح محلی- منطقه‌ای شکل گیرند یا حداقل ارتقا یابند؛ زیرا اجتماعات و سطوح محلی منطقه‌ای، که فاقد نهادهای کارآمد، مناسب، و معتبرند، توان رقابت‌پذیری پایینی را برای دستیابی به سطح معقولی از توسعه به نمایش می‌گذارند و در نبود نهادهای مناسب حتی مناسب‌ترین و معقولانه‌ترین سیاست‌های رقابت‌پذیری و در پی آن توسعه نتایج مطلوبی به‌بار نمی‌آورند؛ همان‌گونه که برنامه سازمان ملل متحد نیز توسعه بر مبنای رقابت‌پذیری را مستلزم وجود نهادهای کارآمد و توانا می‌داند (فوکودا- پر و همکاران، ۲۰۰۲).

نتیجه‌گیری

براساس نتایج حاصل از بررسی‌ها به تفکیک شهرهای مورد مطالعه، وضعیت ظرفیت نهادی در رقابت‌پذیری شهری در هر دو شهر سنج و زنجان وضعیت قابل قبولی را نشان نمی‌دهد؛ به‌گونه‌ای که شهر زنجان با ارزش عددی ۲/۸۷ و سنج با ارزش عددی ۲/۹۱ از لحاظ ظرفیت نهادی در سطح کلی در وضعیتی پایین‌تر از حد متوسط قرار گرفته‌اند؛

هرچند که ارزش‌های عددی به‌دست‌آمده برای هر دو شهر بسیار نزدیک به حد متوسط است. در این میان، در هر دو شهر، شاخص سرمایه انسانی بیشترین ارزش عددی را به خود اختصاص داده و متعاقب آن روابط درون‌نهادی (زنجان) و توان جمعی نهادها (سنندج) کمترین میانگین ممکن را به‌دست آورده‌اند. نتایج کلی بیانگر آن است که در مجموع در هر دو شهر پنج شاخص میانگینی بالاتر از حد متوسط کسب کرده و ده شاخص نیز پایین‌تر از حد متوسط قرار گرفته‌اند. در رابطه با بیشترین و کمترین ارزش عددی نیز در مجموع کل شاخص‌ها در هر دو شهر شاخص سرمایه انسانی با میانگین ۳/۴۴ بیشترین و روابط درون‌نهادی با ارزش عددی ۲/۲۹ کمترین میانگین را به خود اختصاص داده‌اند. نتایج حاصل از ۹ نماگر مورد بررسی توسط مراجعه‌کنندگان به نهادها (مردم) نیز حاکی از آن است که در شهرهای زنجان و سنندج ظرفیت نهادی کل برای شهر زنجان ۳/۰۲ و برای شهر سنندج ۲/۸۲ تعیین شده و ظرفیت نهادی در این شهرها در سطح قابل قبولی ارزیابی نشده است. در شهر زنجان نماگرهای برخورداری از منابع و مراجعه به دانش و تجربیات مردم محلی به ترتیب با ۳/۹ و ۲/۲۴ بیشترین و کمترین میانگین را به خود اختصاص داده و در شهر سنندج نیز برخورداری از منابع و تعهد جمعی در بین نهادها به ترتیب با ۳/۶۴ و ۱/۸۴ بیشترین و کمترین ارزش عددی میانگین را کسب کرده‌اند؛ در مجموع، در رابطه با نماگرها در هر دو شهر، برخورداری از منابع با ارزش عددی ۳/۹ و تعهد جمعی در بین نهادها با ارزش عددی ۱/۸۴، به ترتیب بیشترین و کمترین میانگین را به خود اختصاص داده‌اند. در نهایت، بر اساس نتایج پرسش‌نامه مردم و بررسی نماگرهای موردنظر، ظرفیت نهادی از دید پاسخ‌گویان به پرسش‌نامه مردم در هر دو شهر زنجان و سنندج پایین است. نتایج مدل معادلات ساختاری نیز حکایت از آن دارد که شاخص‌های ظرفیت نهادی در هر یک از گروه‌ها دارای رابطه معنی‌دار اما متفاوت است؛ به طوری که این رابطه در سطح تأثیرات منفی بوده و جز در چند عامل در بقیه موارد به سمت منفی گرایش پیدا کرده است که نشان از نبود تأثیر مثبت شاخص‌های ظرفیت نهادی دارد. در کل می‌توان نتیجه گرفت که شاخص‌های ظرفیت نهادی در رقابت‌پذیری شهری در شهرهای زنجان و سنندج وضعیت مطلوبی ندارند و این دو شهر از این حیث در وضعیت مناسبی به سر نمی‌برند. لیکن، در هر دو شهر سرمایه انسانی با ۰/۳۷ (زنجان) و ۰/۲۳ (سنندج) بیشترین ضریب معناداری را در بین شاخص‌های ظرفیت نهادی داشته است.

نتایج سنجش تأثیر مؤلفه‌های ظرفیت نهادی در رقابت‌پذیری شهری زنجان و سنندج نشان می‌دهد که در زنجان تنها مؤلفه توانایی نهادی (۳/۰۲) و در سنندج مؤلفه‌های توانایی نهادی (۳/۰۸) و ترتیبات قانونی مناسب (۳/۰۲) میانگینی بالاتر از حد متوسط کسب کرده‌اند و در شهر زنجان مؤلفه دانش و در شهر سنندج نیز مؤلفه یکپارچه‌بودن نهادها کمترین میانگین ممکن را به خود اختصاص داده‌اند. بنابراین، مؤلفه توانایی نهادی در هر دو شهر رتبه اول را در بین مؤلفه‌های پنج‌گانه و بعد از آن ترتیبات قانونی مناسب به‌دست آورده است. همچنین، بررسی سهم هر یک از مؤلفه‌های ظرفیت نهادی در رقابت‌پذیری زنجان و سنندج در مدل معادلات ساختاری علاوه بر تأیید معناداری و برازش خوب مدل حاکی از تأیید نتایج مؤلفه‌ها داشته است؛ به گونه‌ای که توانایی نهادی در شهرهای زنجان و سنندج به ترتیب با ارزش عددی ۰/۰۶ و ۰/۲۹ به‌عنوان مؤلفه‌ای با بیشترین سهم و همچنین بیشترین تأثیر بر دیگر مؤلفه‌های ظرفیت نهادی شناخته شده است. توانایی نهادی، که مشتمل بر توانایی‌های درونی نهادها اعم از منابع انسانی، منابع مالی و تجهیزات، ساختار تصمیم‌گیری درون‌سازمانی، روابط درون‌سازمانی و ... است هم در شرایط اقدام منفرد نهادها هم در شرایط اقدامات جمعی نهادها اثرگذار است و می‌تواند زمینه را برای بروز ایده‌های نو و قابل اجرا و همچنین متناسب با شرایط موجود اجتماع فراهم کند؛ اما این امر در بستری از روابط و تعاملات بین نهادی و در چارچوب نهادی یکپارچه است که می‌تواند به صورت مناسب در راستای رقابت‌پذیرکردن شهرها به‌کار گرفته شود؛ زیرا، علاوه بر جلوگیری از ایجاد چارچوب تفرقی،

فرایندهای یادگیری و انتقال دانش و تجربیات را بین نهادها افزایش می‌دهد و در نهایت با استفاده از توانایی‌های نهادی به‌عنوان عامل بسترساز ارتقای ظرفیت نهادی عمل می‌کند.

ارزیابی میزان تأثیرگذاری ظرفیت نهادی (متغیر مستقل) بر رقابت‌پذیری شهرهای (متغیر وابسته) میانی زنجان و سنج با تکیه بر مؤلفه‌های سه‌گانه و چهارگانه در مدل معادلات ساختاری، علاوه بر آنکه معناداری رابطه دو متغیر ظرفیت نهادی و رقابت‌پذیری شهری را تأیید می‌کند، تأثیر متغیر ظرفیت نهادی بر رقابت‌پذیری شهری را در سطح بالا با ارزش عددی ۱۱/۹۸ می‌پذیرد و نشان می‌دهد که میزان تأثیر متغیر مستقل (ظرفیت نهادی) بر متغیر وابسته (رقابت‌پذیری شهری) در سطح مؤلفه‌های چهارگانه بالاتر می‌رود (۱۲/۶۳) که تأثیر بسیار بالای ظرفیت نهادی بر رقابت‌پذیری شهری را نشان می‌دهد. متعاقب این نتیجه مبنی بر تأثیر بالای ظرفیت نهادی بر رقابت‌پذیری شهری، مطالعات بانک جهانی، بانک توسعه آسیا، و برنامه سازمان ملل نیز بر وجود نهادهای کارآمد، توانا، و متنوع خصوصاً نهادهای اجرایی جهت پیش‌برد زیرساخت‌های رقابت‌پذیری شهرها و توسعه تأکید دارند.^۱ درواقع، رویکرد نهادی بر پایه رقابت‌پذیری شهری باید در پی این امر باشد که نهادهای مناسب، معتبر، و کارآمد برای رقابت در سطح محلی - منطقه‌ای شکل گیرند یا حداقل ارتقا یابند؛ زیرا اجتماعات و سطوح محلی منطقه‌ای که فاقد نهادهای کارآمد، مناسب، و معتبرند، توان رقابت‌پذیری پایینی برای دستیابی به سطح معقولی از توسعه به نمایش می‌گذارند و در نبود نهادهای مناسب حتی مناسب‌ترین و معقولانه‌ترین سیاست‌های رقابت‌پذیری و در پی آن توسعه نتایج مطلوبی به‌بار نمی‌آورند و به‌ازهم‌گسیختگی در فرایندهای سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری و از بین رفتن فرصت‌های موجود در زمینه رقابت‌پذیری و ... منجر می‌شوند. پس روشن است که در چارچوب رویکرد نهادی و ظرفیت‌سازی نهادی برای رقابت‌پذیری شهری پیش از هر چیز باید در زمینه ارتقای نهادها حرکت کرد و در این میان تأکید اصلی می‌تواند بر سرمایه اجتماعی، سرمایه انسانی، ظرفیت نهادی در سطح محلی، حکمروایی بهینه، توسعه شبکه‌های اجتماعی و گسترش دانش و فرایندهای ابتکاری در سطح محلی و نهادی، کارآفرینی به‌صورت متمرکز، و تمرکز بر افزایش مزیت‌های رقابتی محلی منطقه‌ای باشد.

در نهایت، می‌توان بیان کرد که آنچه می‌تواند به‌عنوان نقطه اتصالی بین ظرفیت نهادی و رقابت‌پذیری شهری عمل کند حکمروایی شهری بوده و به‌عنوان فصل مشترک نهادها و رقابت‌پذیری شهرها عمل می‌کند. زیرا در عرصه حکمروایی است که نهادهای بخش‌های مختلف دولتی، عمومی، خصوصی، و مردمی می‌توانند به معنای واقعی بر رقابت بین شهرها تأثیرگذار باشند و یادگیری، استعدادها، خلاقیت، توان‌ها، و ... را به تهدیدات و فرصت‌ها پیوند دهند و به‌وسیله همکاری بین بازیگران متنوع به حل مسائل موجود و کاهش پیچیدگی آن‌ها کمک کنند؛ همان‌گونه که محققانی مانند هیلی (۱۹۹۸)، اینز (۲۰۰۲)، سامپر (۲۰۰۷)، گریفیتس (۲۰۰۷) و هان لی (۲۰۰۸) در چارچوب نظریه حکمروایی مشارکت و توانمندی نهادها را پیش‌برندگان کلیدی رقابت و توسعه شهرها می‌بینند و بر آن‌اند که ظرفیت نهادی از طریق مکانیسم‌های حکمروایی امکان اثرگذاری در سیاست‌ها را دارد و از این طریق ابزارهای متناسب با شرایط مکانی و زمانی جهت رقابت‌پذیری و متعاقب آن توسعه را تعیین می‌کند. با مقایسه پژوهش حاضر با پژوهش‌های قبلی انجام‌گرفته در این حوزه، می‌توان گفت که پژوهش حاضر در تأیید نتایج پژوهش‌های پیشین به صورت تأثیر بالای ظرفیت نهادی در امور شهری - منطقه‌ای است؛ اما آنچه پژوهش حاضر را از پژوهش‌های پیشین متمایز می‌کند پژوهش بر روی ارتباط بین ظرفیت نهادی و رقابت‌پذیری شهری است.

به‌عنوان کلام آخر، نگارندگان بر آن‌اند که بر پایه یک برنامه‌ریزی مشارکتی و چارچوب نهادی یکپارچه است که نهادی یکپارچه، مرتبط به هم، و آگاه از مسائل به صورت دائم توانایی بسیج منابع جهت در دست گرفتن فرصت‌ها و

ارتقای شرایط محلی را دارد؛ بدین‌گونه که با مشارکت‌سازی و دخیل‌کردن نیروهای انسانی و مادی و معنوی نهادهای درگیر در امور شهری و لزوم برقرارساختن ارتباط مداوم بین نهادها به صورت بین نهادی و همچنین بین مدیران نهادی و کارشناسان آنها با هم، و از طرف دیگر درگیرکردن مردم در امور شهری- به صورتی که توانایی تأثیرگذاری در تصمیمات شهری و مدیران شهری را داشته باشند- می‌توان توانایی بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود و بالقوه را به صورتی فراهم کرد که هم در وضع موجود هم در شرایط غیرقابل پیش‌بینی بر موانع موجود غلبه کرد.

منابع

1. Amin, A., 1998, An Institutional Perspective on Regional Economic Development, *Paper Presented at the Economic Geography Research Group Seminar of Institutions and Governance*, Department of Geography UCL, London.
2. Asheim, B.; Cooke, PH. and Martin, R., 2006, *Clusters and Regional Development: Critical Reflections and Explorations*, Routledge.
3. Bentler, P. M., & Bonett, D. G. (1980). Significance tests and goodness of fit in the analysis of covariance structures. *Psychological bulletin*, 88(3), 588-606.
4. Brown, Rebekah, 2008, Local Institutional Development and Organizational Change for Advancing Sustainable Urban Water Futures, *Environmental Management*, Feb;41(2):221-33.
5. doi: 10.1007/s00267-007-9046-6.
6. Bruneckiene, Jurgita; Guzavicius, Andrius and Cincikaite, Renata, 2010, Measurement of Urban Competitiveness in Lithuania, *Inzinerine Ekonomika-Engineering Economics*, Vol. 21, No. 5, PP. 493-508.
7. Carlson, Jamie; Ranjit, Voola; Andrew, West (2001), Emotional intelligence and competitive advantage: examining the relationship from a resource-based view, *Strat. Change* 13: 83-93.
8. Chaskin, R., 2001, Defining Community Capacity: A Definitional Framework and Case Studies from a Comprehensive Community Initiative, *Urban Affairs Review*, Vol. 36, No. 3, PP. 291-323.
9. De Meene, S., 2008, Institutional Capacity Attributes of a Water Sensitive City: the Case of Sydney, Australia, *11th International Conference on Urban Drainage*, Edinburgh, Scotland, UK.
10. Deolalikar, A.B.; Brillantes, A.B.; Gaiha, R.; Pernia, E.M. and Racelis, M., 2002, *Poverty Reduction and the Role of Institutions in Developing Asia*, Asian Development Bank, Manila.
11. European Commission, 2005, *Institutional Assessment and Capacity Development: Why, What and How?*, Europe Aid.
12. Evans, B.; Marko, J.; Sundback, S. and Theobald, K., 2005, *Governing sustainable cities*, Earthscan, London.
13. Faraji Rad, Khedr, 2012, *Explaining the Relationship between Institutional Capacity and Sustainable Regional Development and Presenting an Appropriate Framework (Case Study: Urmia and Bukan)*, PhD Thesis in Geography and Urban Planning, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Supervisor: Gholamreza Kazemian (In Persian).
14. Franks, T., 1999, *Capacity building and Institutional Development: reflections on water*, Public Administration and Development, 19.
15. Fukuda-Parr, S.; Lopes, C. and Malik, K., 2002, *Capacity for Development: new solutions for old problems*, United Nations Development Programmes, New York.
16. Ghaderi, Jafar; Akhundi, Nasser and Javid, Alireza, 2013, Urban Competitiveness; Strategy for Improving the Income Status of the City, *Quarterly Journal of Urban Economics*, No. 20, PP. 45-55 (In Persian).
17. Gibbs, C.; Jonas, A.; Suzanne, R. and Spooner, D., 2001, Governance, Institutional capacity and Partnership in Local Economic Development: Theoretical Issues and Empirical Evidence from the Humber, *Transactions of the Institute of British Geographers*, New Series, Vol. 26, No. 1.
18. Giordano, B., 2001, Institutional thickness, political sub-culture and the resurgence of the new regionalism in Italy -a case study of the Northern league in in province of Varese, *Transactions of the Institute of British Geographers*, Vol. 26, No. 1.

19. Griffiths, A.; Haigh, N. and Rassias, J., 2007, A Framework for Understanding Institutional Governance Systems and Climate Change: the Case of Australia, *European Management Journal*, Vol. 25, No. 6.
20. Healey, P., 1998, Building institutional Capacity through Collaborative Approaches to Urban Planning, *Environment and Planning A*, Vol. 30, PP. 1531-1546.
21. Horen, B., 2002, Planning for institutional capacity building in war-torn areas: the case of Jaffna, Sri Lanka, *Habitat International*, 26.
22. Hudson, R., 2004, Addressing the Regional Problem: Changing perspectives in Geography and on Regions, *Paper Presented to the Conference of Irish Geographers, 7-9 May*, Maynooth.
23. Hun Lee, J., 2008, *Regional Governance and Collaboration: a Comparative Study on Economic Development Policy Process in Minneapolis and Pittsburgh Regions*, Ph.D Dissertation, Faculty of Graduate School of Public and International Affairs, University of Pittsburgh.
24. Imbaruddin, A., 2003, *Understanding Institutional Capacity of Local Government Agencies in Indonesia*, Ph.D Dissertation, the Australian national University, Canberra.
25. Innes, Judith E. and Booher, David E., 2002, The Impact of Collaborative Planning on Governance Capacity, Paper prepared for presentation at the Annual Conference of the Association of Collegiate Schools of Planning, *Baltimore*, No. 21-24, PP. 1-32.
26. Jiang, Y. and Shen, J., 2010, *Measuring the urban Competitiveness of chinese cities in 2000*, *Cities*, No. 27, PP. 307-314.
27. Kaplan, Allan, 2010, *Capacity building: Shifting the paradigms of practice*, *Development in Practice*, Vol. 10, Issue 3-4, 2000.
28. Kargar Samani, Amir; Kordanaj, Asadaleh; Khodadad Hosseini, Hamid and Mousavi Shafaei, Massoud, 2014, The effect of urban competitiveness on national competitiveness, *Business Management Perspectives Quarterly*, No. 20, PP. 123-139 (In Persian).
29. Kazemian, Gholamreza; Faraji Rad, Khedr; Rokanuddin Eftekhari, Alireza and Mahdi Pourtaheri, 2013, The Relationship between Institutional Capacity and Sustainable Regional Development, *Geography (International Quarterly of the Iranian Geographical Association)*, New Volume, Eleventh Year, Issue 38, PP. 153-173 (In Persian).
30. Kostianen, Jaha, 2002, Learning and the “Ba” in the development network of an urban region, *European Planning Studies*, No. 10, PP. 613-631.
31. Kresl, P. and Singh, B., 2012, Urban Competitiveness and US Metropolitan Centers, *Urban Studies*, Vol. 49, No. 2, PP. 239-254.
32. Markusen, A., 2008, *Human versus Physical Capital: Government s Role in Regional Development*, in Martinez-Vazquez, J. and Vaillancourt, F., *Public Policy for Regional Development*, Routledge.
33. Martin, R.; Kitson, M. and Tyler, P., 2006, *Regional Competitiveness*, Routledge.
34. Meene, S. V. de., 2008, Institutional Capacity Attributes of a Water Sensitive City: the Case of Sydney, Australia, *11th International Conference on Urban Drainage*, Edinburgh, Scotland, UK.
35. Nazmafar, Hossein; Eshghi Chahar Borj, Ali and Alavi, Saeedeh, 2017, A Study of the Economic Competitiveness of Iranian Cities, *Journal of Economics and Urban Management*, Vol. 5, No. 20, PP. 23-38 (In Persian).
36. Pengfei, Ni and Zheng, Qiongjie, 2014, *Urban Competitiveness and Innovation*, Edward Elgar Publishing Limited, Cheltenham, UK. Northampton, MA, USA.
37. Qingyun, Du; Yanxia, Wang; Fu, Ren; Zhiyuan, Zhao; Hongqiang, Jiu; Chao, Wu; Langjiao, Li and Yiran, Shen, 2014, Measuring and Analysis of Urban Competitiveness of Chinese Provincial Capitals

- in 2010 under the Constraints of Major Function-Oriented Zoning Utilizing Spatial Analysis, 6, 6, 3374-3399; doi:10.3390/su6063374.
38. Robins, L., 2008, Perspectives on capacity building to guide policy and program development and delivery, *Environmental Science and Policy*, II.
39. Rodriguez-Pose, A., 2009, Do Institutions Matter for Regional Development, Available at <http://personal.lse.ac.uk/PODRIGU1>.
40. Sedlacek, S. and Gaube, V., 2010, Regions on Their Way to Sustainability: the Role of Institutions in Fostering Sustainable Development at Regional Level, *Environment, Development and Sustainability*, 12.
41. Serrano, F.A., 2003, *City Competitiveness and Attractiveness: A New Approach to Evaluate Economic Development In Mexican Cities*, PhD Thesis, Glasgow: University of Glasgow.
42. Singhal, S.; Berry, J. and Mcgreal, S., 2009, A Framework for Assessing Regeneration, Business Strategies and Urban Competitiveness, *Local Economy*, Vol. 24, No. 2, PP. 111-124.
43. Sinkiene, J., 2009. Competitiveness Factors of Cities in Lithuania, *Viesoji politika ir administravimas*, No. 29, PP. 47-53.
44. Statistics Center of Iran, 2016, Detailed Results of the General Population and Housing Census of Zanjan and Kurdistan Provinces (In Persian).
45. Stimson, R.; Stough, R. R. and Salazar, M., 2009, *Leadership and Institutions in Regional Endogenous Development*, Edward Elgar.
46. Sumpor, M., 2007, Is there any Institutional Capacity for Integrated Regional Development? *Application of New Governance Approaches in Croatia, 47th Congress of the European Regional Science Association*, Paris, August 29th to September 2nd.
47. Tavassoli, Mahmoud and Niko Nosbati, Ali, 2011, Institutional Change, *Quarterly Journal of Planning and Budget Research*, Vol. 16, No. 3, PP. 5-6 (In Persian).
48. Turok, I., 2004, Cities, Regions and Competitiveness, *Regional Studies*, No. 38, PP. 1069-1083.
49. *United Nations Economic and Social Council, 2006, Definition of basic concepts and terminologies in governance and public administration*, United Nations.
50. Vahdani, Hassan, 2005, *Feasibility Study of Neighborhood Development Capacities to Achieve Sustainable Urban Development (Case Study: Calcutta Chi Neighborhood) Alley Row (Tabriz)*, Master's Thesis in Urban Planning, Supervisor: Mojtaba Rafieian, Faculty of Art, Tarbiat Modares University (In Persian).
51. Webster, D. and Muller, L., 2000, Urban Competitiveness Assessment in Developing Country Urban Regions: The Road Forward. *Initially presented at the World Bank Course on Towards a Methodology for Conducting City Development Strategies, March 29, 2000. USA, Washington D.C.*
52. Willems, S. and Baumert, K., 2003, *Institutional Capacity and Climate Actions*, OECD.
53. World bank, 1998, *Assessing Aid: what works, what doesn't, and why*, World Bank, Washington D. C.
54. World bank, 2000, *Reforming Public Institutions and Strengthening Governance*, World Bank, Washington D. C.
55. Zhiyuan, Yuan; Xinqi, Zheng; Lulu, Zheng and Guoliang, Zhao, 2017, Urban Competitiveness Measurement of Chinese Cities Based on a Structural Equation Model, *Sustainability*, Vol. 9, No. 666. PP. 1-18.